

انتخابات مجلس

نگرش ها و سیاستهای مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس
در خصوص انتخابات نهمین مجلس شورای اسلامی



مجمع مطالبه مردمی
مشهد مقدس
تلفن تماس : ۰۹۱۵۹۶۸۵۲۱
www.motalebe.ir
sh.motalebe@gmail.com

پیشاپیش به برخی از سرفصل‌های کاری مجمع مطالبه در حوزه انتخابات اشاره می‌شود:

- مجمع مطالبه سعی در حضور به موقع در این عرصه را داشته و تلاش خواهد کرد نخبگان مستقل و فرهنگی حزب الهی در مشهد را نیز فعال کند، چه با مجمع مطالبه و سیاست‌هایش هماهنگی داشته باشند و چه نداشته باشند.
- مجمع مطالبه مانند انتخابات دوره هشتم مجلس، جمعی از نخبگان شایسته برای حضور در انتخابات را دعوت به ثبت نام جهت کاندیداتوری خواهد کرد.
- مجمع مطالبه جزوات تحلیلی، نشریات، تراکت‌ها و محصولات دیگر فرهنگی خود را در نمازجمعه و سایر مراکز تجمع مردم انقلابی مشهد توزیع خواهد کرد.
- جلسات مجمع عمومی برای جمع بندی معیارها و نیز شناسایی و معرفی نامزدها عمومی بوده و اخبار آن نیز در سایت مطالبه قابل دسترسی خواهد بود.
- مجمع مطالبه به معرفی شفاف خود، مبانی خود و روابط حاکم بر فعالیت‌های خود خواهد پرداخت، که انتشار متن حاضر یکی از گام‌ها در این مسیر است.
- از آن‌جا که مجمع مطالبه مردمی مشهد یک مجموعه خودجوش و مردمی است از همگان تنها به شرط التزام «فکری و عملی» به انقلاب و امام و خط مستقیم ولایت، دعوت می‌کند در برنامه‌های این مجمع حضور، همکاری و همفکری داشته باشند.

والسلام علی من اتبع الهدی

مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس

آذر ۱۳۹۰

سخن نخست

«تلك الدار الآخرة، نجعلها للذين لا يريدون علواً في الارض و لا فساداً، و العاقبة للمتقين»
خانه آخرت را برای کسانی قرار داده ایم که نه در زمین برتری جویی می‌کنند و نه فساد
دنیال می‌کنند. و عاقبت از آن پرهیزگاران است. (قرآن کریم، قصص، ۸۳)

□

امام علی (علیه السلام):

«يُسْتَنَالُ عَلَى إِدْبَارِ الدَّوَلِ بِأَرْبَعٍ: تَضْيِيقُ الْأَصُولِ، وَ التَّمَسُّكُ بِالْفُرُوعِ، وَ التَّقْدِيمُ الْأَرَادِلِ، وَ تَأْخِيرُ الْأَفْاضِلِ.»

چهار چیز نشانه نگون بختی حکومت‌هاست: فرو گذاشتن اصل‌ها، اهمیت دادن به فرع‌ها،
جلو انداختن افراد فرومایه و عقب نگه داشتن افراد برتر و شایسته.

□

حضرت امام خمینی (ره):

«... مردم با بصیرت و درایت و تحقیق کاندیدها را شناسایی کرده، و به سوابق و روحیات و خصوصیات دینی - سیاسی نامزدهای انتخاباتی توجه نمایند.

مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رای دهند که متعهد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسؤلیت کنند، و طمع تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرجانان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه‌جو، اسلام پاک‌پیتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌دره، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان، و در یک کلمه، اسلام آمریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند.

و از آنجا که مجلس خانه همه مردم و امید مستضعفین است، در شرایط کنونی نباید کسی انتظار داشته باشد که ختماً نمایندگان باید از گروه و صنف خاصی باشند. باید توجه داشت که هنوز خیلی از مسائل وجود دارد که به نفع محرومین باید حل و فصل شود. و تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند، با دیگران کار مشکلی نیست...» پیام در آستانه انتخابات مجلس، ۱۱ فروردین ۱۳۶۷

رهبر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای:

«مردم باید کسانی را انتخاب کنند که به کانونهای ثروت و قدرت متصل نباشند؛ کسانی باشند که واقعا مردم اینها را بخوانند؛ بر طبق وجدانشان، بر طبق دینشان، بر طبق وظائف انقلابی‌شان عمل کنند.» (در دیدار با مردم کرمانشاه، ۲۰ مهر ۹۰)

«... مسئله دیگری که حائز اهمیت فراوان است، تلاش و دقت مردم برای شناخت نماینده اصلح است... هنر مردم شهرهای مختلف کشور این است که از میان این نامزدها، بهترین افراد را از لحاظ ایمان، اخلاص، امانت، دینداری و آمادگی برای حضور در میدان‌های انقلاب انتخاب کنند و به کسانی رای دهند که نسبت به نیازهای مردم در دانشناست‌ترین و درمدمندترین افراد باشند... انتخاب بهترین نامزدهای انتخاباتی با رای مردم زمینه ساز تشکیل مجلس مورد نیاز کشور است.» (در دیدار با مردم بزد، ۱۲ دی ۱۳۸۶)

مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس که در دهه گذشته با هدف «مطالبه آرمان‌های امام و امت از مسئولان کشور» و «تبدیل آرمان‌های انقلاب به مطالبه افکار عمومی» توفیق فعالیت در حوزه‌های مختلف شهری، ملی و جهانی را داشته است، اکنون در آستانه

انتخابات به تبلیغ مبانی یا مصادیق پیردازد، ابتدا از چند جهت خود را به طور شفاف به مردم معرفی کرده باشد: سابقه و دیدگاه هایش چیست؟ مبانی ورودش به عرصه سیاست کدام است؟ چه شیوه‌ها و مدل‌هایی برای تعاملات سیاسی و تبلیغات می‌پسندد و بر چه اساسی از این شیوه‌ها دفاع می‌کند؟ از چه حمایت‌های مالی و رسانه‌ای و سیاسی برخوردار است و در عوض این حمایت‌ها قرار است چه سهم‌هایی پیردازد؟ پول تبلیغاتش از کجا آمده و به چه شیوه‌ای هزینه می‌شود؟ و ...

ج) تبلیغات مبتنی بر نگاه فرهنگی

عرصه انتخابات باید عرصه رقابت اندیشه‌ها و راهکارها باشد نه رقابت عکس‌ها و شعارها، لذا در این موضوع:

- ۱- باید به نقد روشهای رایج تبلیغات انتخاباتی و سنجش آنها با مبانی دینی پرداخت.
- ۲- باید به تبیین روش‌های درست و متناسب با مردمسالاری دینی - و نه دموکراسی غربی - پرداخت. روش‌های متناسب با الگوی دینی، نه فقط دارای شرط «سلامت و دوری از دروغ و تخریب» است، بلکه باید شرط «آگاهی بخشی و رشد‌دهندگی» را نیز داشته باشد. به عبارت دیگر، رضایت دادن به تبلیغات سالم، خود یک امر حداقلی است و نباید به آن اکتفا کرده و مساوی تبلیغات ایده‌آش دانست.
- ۳- باید در عمل، برای تبلیغ نگرش‌ها و نیز فهرست پیشنهادی نامزدها، الگویی عینی و عملی از تبلیغات آگاهی‌بخش و رشددهنده ارائه داد.

د) برقراری ارتباط با عموم

باید تکیه مضاعفی بر برقراری ارتباط عمومی با یکایک مردم داشت و ارتباط گیری با تشکلهای مردمی و خواص و نیروهای فعال انقلابی را کافی نشمرد. در این راستا لازم است اولاً نگرانی‌ها، انتظارات، مقبولات و عموم ذهنیات مردم به طور دقیق ترسیم گردد و ثانیاً روش‌های مردمی‌تر و همه‌گیرتری برای ترویج نگرش‌ها و معیارها طراحی شود.

ه) شیوه حضور و فعالیت مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس

مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس در این انتخابات نیز مانند تجارب گذشته تلاش خواهد کرد: اولاً مبانی فوق را ترویج کند، ثانیاً عملیاتی و محقق کند و ثالثاً تجارب مثبت خود و دیگر مجموعه‌ها در این راستا را ثبت و تحلیل کند. فعالیت‌های مجمع مطالبه مستمرا از طریق پایگاه اینترنتی «مطالبه» (Motaleber.ir) قابل رصد خواهد بود اما در این جا

است. باید بین جریان‌های سیاسی کار سستی (موسوم به چپ و راست) با جریان‌های جدیدی که با دغدغه عدالت‌خواهی وارد میدان شدند اما در عمل گرفتار آفات سیاست زدگی، محافظه کاری و خصلت زشت زد و بند سیاسی و پشت پرده عمل کردن شدند، و نیز گروه‌های مردمی ای که حتی هنوز به حرکت خود رنگ و بوی سیاسی نداده اند تفاوت گذاشت. همچنین باید مردودین در امتحان فتنه را با شدت و دقت زیر نقد و کنترل گرفت. با هر یک از بخش‌های این طیف وسیع (از گروه‌های صرفاً سیاسی تا گروه‌های صرفاً فرهنگی) باید نحوه برخوردی متفاوت داشت. باید سیاست زده‌های انعطاف‌ناپذیر را بازخواست علنی کرد اما دیگران را دعوت کرد تا روش حرکت خود را اصلاح کنند. همچنین می‌توان و باید در مسیر گسترش مبنایی و معیارها و فرهنگ سازی عمومی، با تمام گروه‌های مردمی همکاری کرد اما اصول تخلف‌ناپذیر حرکت در این امر عبارتند از:

- ۱- در نقد گروه‌ها و جریان‌ها باید شفافیت و صراحت کامل داشته و تفکر موجود در انتقادهای سیاسی - که در عوض ایجاد بستری برای شناخت اصلاح و معرفی آن، ایجاد «شرکت سهامی احزاب و گروه‌ها» را دنبال می‌کنند - را زیر سوال برد.
- ۲- پذیرش و ترویج حرکت‌ها و یا کاندیداهای ارائه شده از سوی دیگران باید تنها با معیارهای اصیل انقلابی انجام گیرد.
- ۳- در تعامل با گروه‌ها باید «هدف اصلاح‌گرایانه در جهت ترویج مبنایی و روش‌های صحیحی حرکت سیاسی» داشت و نه هدف‌های سیاسی‌ای همچون زد و بند‌های رایج.
- ۴- از همه مهمتر: کار فرهنگی عمومی باید اصل قرار داده شود به نحوی که پتانسیل گروه‌های متعارف سیاسی فرع و گوشه‌ای از پتانسیل عمومی مردمی دیده شود و همچنین اصلاح گروه‌های سیاسی باید اولویت دوم و در مرتبه بعد از حرکت‌ها و گفت‌وگو سازی‌های ایجابی شمرده شود.

ب) شفافیت

چهره‌ها و گروه‌های انقلابی باید تمام مراحل حرکت خود را با شفافیت و اطلاع‌رسانی حداکثری پیش برده و از آفت بزرگ تبدیل شدن به مجموعه‌ای خاص و پشت پرده بپرهیزند. این شفافیت که باید با استفاده از ظرفیتهای رسانه‌ای و ارتباطی انجام شود علاوه بر آن که برای عمومی کردن مطالبات و نگرش‌های انقلابی لازم است، زمینه‌ساز ثبت صحیح تاریخی این تجربه و نیز پاسخگویی صادقانه به افکار عمومی نیز هست. کسی که خود را مبلغ اندیشه‌های ناب انقلاب اسلامی می‌شمرد، زد و بندی برای پنهان کردن و منافعی برای به انحصار گرفتن ندارد. شایسته است هر گروه یا فردی که می‌خواهد در

فرارسیدن انتخابات نهمین مجلس شورای اسلامی، نگرش‌ها و سیاست‌های خود را برای ورود به فعالیت «فرهنگی و سیاسی» در «فرصت» انتخابات مجلس نهم شورای اسلامی اعلام می‌کند.

بدیهی است هدف از انتشار این متن، همچون ادوار گذشته، آگاه‌سازی عمومی و احیای نقش مردم انقلابی (مستقل از جناح‌ها و تباری‌های سیاسی) جهت تحقق بخشیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری است. همچنین این سند، متکی به تجربه حضور مستقل فرهنگی و سیاسی نیروهای انقلابی در انتخابات‌های گذشته بوده تجربه مجمع مطالبه مردمی مشهد است که در انتخابات مجلس هشتم و هشتم با ترویج گفتمان «حیات طیبه» و شعار «انتخابات احسن، انتخاب اصلاح» و «انتخابات آگاهانه» به صحنه آمد و در حالی که لیست‌های مدعی اصولگرایی و پیروی از خط امام و رهبری، به حذف عناصری چون دکتر سعید جلیلی یا دکتر بحرینی به بهانه عدم مقبولیت (۱) و ... می‌پرداختند، از چهره‌های اصلاح‌حیایت کرد.

متن حاضر که به تدریج بر اساس آخرین فرمایشات مقام معظم رهبری و تحولات کشور تکمیل یافته و مبنای سایر حرکت‌ها، اعلام مواضع و تولیدات آتی مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس خواهد بود، اکنون در ده فصل، نگرشی کلی نسبت به موضوعات ذیل ارائه می‌کند:

- * انتخابات و حضور مردم، «موقعیت تهدیدآمیز» یا «فرصت رشد و حرکت»؟
- * عنصر تعیین‌کننده انتخابات، «لای»‌های سیاسی و «لیست»‌های ساندوچی یا «آگاهی و بصیرت مردم»؟
- * نقد جریان‌ها و ائتلاف‌های سیاسی روز و نسبت شان با انقلاب
- * وحدت، از شعار تا عمل
- * نقد تفکر مخرب «ترجیح صالح مقبول بر اصلاح»!
- * نگاهی به مهم‌ترین نیازها و اولویت‌های امروز کشور بر اساس مطالبات رهبری و مردم
- * کیفیت بازخوانی گفتمان عدالت‌خواهی در دهه چهارم انقلاب
- * جایگاه واقعی مجلس و سطح اثرگذاری آن
- * نقد روش‌های تبلیغاتی سیاست زده، اسرافکارانه و سطحی رایج
- * شیوه صحیح شناسایی نامزدها و تبلیغ برای اصلاح

... و

فصل اول

نگاه رشمحور به انتخابات

«قضیه‌ی نمایندگی از مردم در تفکر اسلامی، ریشه‌ی بسیار عمیقی دارد... بر مبنای یک پایدی محکم، برخاسته از ولایت الله، با شیوه‌ی مشخص و تدوین شده‌ی در قانون اساسی جمهوری اسلامی که خدای متعال به انسان‌ها حق داده که یک حقی را به کسی بسپرنند. مردم هم این حق را در آراء خودشان در مجلس، در ریاست جمهوری، در آن چیزهایی که به آراء مردم وابسته است، به افراد می‌دهند. در نگاه افرادی که از این مبنای اسلامی دورند، وقتی که به مسئله نگاه می‌کنید، می‌بینید تناقض و تهافت زیاد است. یک روز که آراء مردم به نفع یک جماعتی باشد، آراء مردم اهمیت پیدا می‌کند، اگر یک روزی نگاه مردم بر خلاف نظرشان بود، آن وقت اسم این آراء عمومی و جمهوری، می‌شود عوام‌گرایی؛ توده‌گرایی!»

(رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۲۱ خرداد ۸۷)

از آن جا که عرصه سیاست تنها به سبب ادای تکلیف دینی برای نیروهای انقلابی مهم است و قدرت در نگاه شاگردان امام و پیروان رهبری، وسیله‌ای برای برپاداشتن احکام الاهی و عدالت‌جایبخش دینی است، حضور در انتخابات بدون نگاهی برگرفته از تفکر ناب اسلامی ناممکن خواهد بود. لذا مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس، مبنای فکری حرکت خود را این گونه ترسیم می‌کند:

(الف) ضرورت احیای هویت سیاسی حزب الله

بر اساس مبنای دینی عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، اقتصادی و نظامی و ... عرصه‌هایی منفک از هم و بی ارتباط با هم نیستند. اسلام، دین حیابخشی است که آمده است تا عبودیت و توحید را در سراسر زندگی جاری کند و انسان مسلمانی تربیت کند که همه عرصه‌های حیات را عرصه جهاد خود می‌بیند. برخلاف تفکر سکولار غربی و نسخه‌های رنگارنگ اسلام امریکایی که دین را در چارچوبی شخصی و ذهنی محصور می‌کنند، اسلام ناب محمدی (ص) پیروان خویش را به ادای تکلیف در هر عرصه و پیاده‌سازی اوامر الاهی در تمام ابعاد زندگی می‌بیند. امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، تحریم مولات با کافران و مشرکان، برقراری عدالت اجتماعی، إقامة حدود و قضاء، احکام متعدد اقتصادی و ... همه جزو تکالیف اسلامی هستند و نمی‌توان تعالیم اسلام را همچون

به حجت شرعی» باشد. از همین رو ارائه هر فهرستی، باید مستند به صلاحیت‌های روشن افراد بوده و در اولویت بندی افراد صداقت و دقت لازم به عمل آید تا حتی خود ارائه لیست به عنوان یک پیشنهاد و نه الزام، در مسیر تقویت التزام به آرمان‌ها و ارزش‌ها و اولویت‌ها باشد.

۷- هیچ کاندیدای اصلی معصوم از خطا و گناه نیست و باید هر فرد انتخاب شده، مستمر تحت نظارت و مطالبه عمومی قرار گیرد. بنابراین مثنی انقلابیون در برابر کاندیداهای مورد قبول خود نیز مثنی منتقدانه و نظارتی است. سلامت سیاسی و مدیریتی با این نظارت مستمر محقق می‌شود نه با خودداری احتیاطگرانه از ابراز نظر و وارد نشدن در عرصه انتخاب.

فصل دوم

مدل مطلوب حرکت‌های تبلیغاتی

ما در مجالس قانون‌گذاری دنیا شنیدیم، شاید حالا یک مواردی هم در بین خودمان دیده شده است، نمی‌توانیم بگوییم نبوده است، که گاهی برای اینکه منفعت یک کسی یا یک کسان معدودی تأمین بشود، با عجله‌ی تمام یک قانونی در یک مجلسی از مجالس دنیا گذشته است و بعد که آن عرض حاصل شده است، به فاصله‌ی مدت کوتاهی آن قانون نسخ شده! این که گفته می‌شود که در جمهوری اسلامی خوب است نمایندگان محترم در تبلیغات و در تلاش‌ها و فعالیت‌های انتخاباتی‌شان کمک مالی از بعضی از مراکز دارای طمع قبول نکنند، به خاطر این است؛ چون بالاخره کمک کردن با طمع، مشکلات اینجوری را به دنبال سر می‌آورد.» (رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی)

اگر هویت سیاسی حزب الله شکل گرفته و انتخاب اصالح متکی به شبکه مردمی مستقل از سیاسی کاران تعریف شود و نیز نامزدهای انتخابات به شناسندگی وارد این عرصه شوند، نوبت به تبلیغات انتخاباتی بر اساس مبنای و ارزش‌های دینی و انقلابی می‌رسد. در این مرحله، باید هم در تعاملات گروه‌های فعال در عرصه انتخابات و هم در نحوه تبلیغات نکاتی را مورد توجه قرار داد:

(الف) تعامل مبتنی بر اصول

تامل یک تشکل و مجموعه انقلابی مانند مجمع مطالبه مردمی با سایر گروه‌ها و مجامع، باید وابسته به میزان تن دادن آن گروه‌ها به اولویت‌ها، شایسته‌سالاری و شفافیت

است، پس چرا لیست دادن؟» یا این که «تعمیر این لیست دادن با لیست دادن های سیاسی در چه است؟» برای روشن شدن پاسخ این ابهامات، باید دقت کرد که:

۱- ارائه فهرست، نباید تنها هدف گروه ها و چهره های انقلابی باشد؛ بلکه این کار، امری در کنار وظیفه اصلی دیگر یعنی همان پیگیری آرمان ها در فرصت انتخابات و ترویج نگاه انقلابی به عرصه سیاست و انتخابات است.

۲- ما ذاتاً با لیست دادن و مشورت گرفتن مخالف نیستیم، بلکه با استضعاف فکری و نگاه ابزاری به مردم مخالفیم. یقیناً هیچ کس بی نیاز از مشورت گیری نیست، اما مشورت باید برای تشخیص مصادیق «بر اساس معیارهای آگاهانه» باشد و نه رفع تکلیف بدون توجه به این که چه کسی و با چه معیارهایی طرف مشورت قرار گرفته است. از همین روست که مجمع مطالبه نیز به هیچ وجه حاضر نیست فهرست خود را بدون اتکا به دلایل و معیارهای شفاف ارائه کند.

۳- نه معیارهای متعالی و نه روش های درست تبلیغی جز در ضمن مصادیق عینی، ترویج کامل نمی یابند. معرفی شایستگیان با روش های شایسته، مساوی ترویج اصل شایستگی و شایسته سالاری است.

۴- ارائه فهرست و تبلیغ نامزدها، مربوط به روزهای آخر بوده و نتیجه فعال کردن فرآیندهای فرهنگی و اجتماعی ای است که ماه ها باید در جریان باشد. بنابراین میان فرهنگ سازی بلندمدت و میان مدت با بروز سیاسی کوتاه مدت تعارض عملی ای نیست.

۵- آرمانگرایی باید متکی به اصل دینی «ترجیح اهم بر مهم» باشد و نه یک ایده آلیسم خیالی. در عدالت اسلامی، ما در عین تلاش برای تبدیل وضع موجود به وضع مطلوب، در هر لحظه موظف به انتخاب «بهترین گزینه های موجود» هستیم. هر نوع نگرش دیگری ما را به افراط و تفریط می کشاند؛ اگر به جای انتخاب خوب ترین ها، به خوب ها اکتفا کنیم (همان اصل غلط «صالح مقبول به جای اصلح نامقبول») به بیراهه سیاست زدگی و فرهنگ سوزی افتاده ایم. از سوی دیگر اگر تنها به دنبال «بهترین های قابل تصور» باشیم و «بهترین های موجود» را هم طرد کنیم، هیچ گاه به نتیجه نخواهیم رسید چرا که در آن صورت فقط باید افرادی معصوم را کاندیدا کرد. بنابر این، آرمانگرایی اسلامی منافاتی با انتخاب افراد ندارد، البته مشروط به این که آن افراد حقیقتاً - و نه در ادعا- بهترین های موجود باشند و نیز تلاش مستمری برای تغییر شرایط و افراد به سمت بهتر و بهتر شدن نیز انجام بگیرد.

۶- پیشنهاد فهرستی از سوی گروه ها و چهره های انقلابی، به معنای نفی آگاهی و انتخاب و تصمیم فرد فرد مردم نیست، بلکه باید در راستای تقویت «رای آگاهانه و متکی

مسیحیت اروپایی، صرفاً در حیطه مسائل فردی و عبادی محدود کرد.

این جاست که حرکت سیاسی یک امر انحصاری برای عده ای سیاسیون نخواهد بود، بلکه وظیفه تک تک کسانی است که در این عرصه توان و تأثیری دارند، و همچنین فعالیت سیاسی دون شأن کسانی که برای خود رسالتی دینی، معرفتی، فرهنگی و ... قائلند نخواهد بود، بلکه به تاسی از الگوهای دینی و انقلابی، ورود هوشمندانه و پر قدرت در عرصه سیاست نیز همچون فعالیت فرهنگی یک تکلیف اجتناب ناپذیر خواهد بود و بی توجهی به آن به معنای خالی کردن میدان تکلیف شرعی است. البته مشروط به این که این فعالیت به همان شکلی که دین خواسته انجام گیرد و در فرمول های سیاست زده و در دل بازی سیاسی بازان ظاهر سازی که بیشتر دغدغه قدرت دارند تا دین و انقلاب، تعریف نشود. بنابراین حزب الله باید با تأمل دقیق در میانی و نیز شکل حرکت سیاسی خود، هویت مستقل سیاسی خویش را بازیافته و در انتخابات به عنوان یکی از عرصه های جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، فضای عمومی کشور را مخاطب حرکت خویش قرار دهد.

ب) جایگاه مردم در نظام دینی

معنای حقیقی مردمسالاری دینی و جمهوری اسلامی نیز چیزی جز این نیست که دین اساساً آمده است تا انسان رشد کند و به دست خود آرمان های دینی را محقق کند. «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید، ۲۵). خدا از سویی چارچوب دین را تعیین کرد تا انسان راه را گم نکند و از سویی تحقق بخشیدن به جامعه دینی را بر دوش خود انسان مختار انداخت تا انسان تحت نظارت دین، آزموده و پخته شود. پس حکومت اسلامی باید گام به گام، انسان مختار و صاحب آگاهی را در مسیر تکامل حرکت دهد. آنان که می پندارند انقلاب اسلامی و بنیانگذار حکیم آن، جمهوری را به عنوان امری غربی از سر اضطرار پذیرفتند، از این نکته غافلند که امام از هر گونه انتقاط بویژه در نظام سازی سیاسی و محقق کردن نظریه ولایت فقیه اجتناب جدی داشت. معنای مردمسالاری مورد نظر امام و رهبری، جز این نیست که حکومت اسلامی بدون رشد دادن مردم بیهوده است و رشد دادن مردم نیز جز با درگیر کردن آنان و بالفعل کردن فوه انتخابگری آنان ممکن نخواهد بود. سیره نبوی و علوی نیز نه استبداد فرعونی بود و نه دموکراسی غربی، که اولی آزمایش انسان مختار را زیر سوال می برد و دومی هدفمند بودن این آزادی و انتخاب و آگاهی را از بین می برد. سیره اولیاء خدا که در اندیشه های امام و رهبری نیز به خوبی منعکس شده است، فراهم کردن فرصت «انتخابگری متعهدانه» به مردم، نه از سر اجبار بلکه با هدف رشد و تکامل مردم بوده است. بر همین اساس است که

تک تک عرصه های اجتماعی از نظر معتقدین به انقلاب اسلامی، عرصه تجلی انتخاب آگاهانه در چارچوب تعهد به آرمان ها و ارزش هاست. و انتخابات نیز از این قاعده مستثنی نیست.

ج) نگاهی به فضای فعلی حاکم بر انتخابات

رقابت محض سیاسی که امروزه در فضای کشور رایج شده است، تنها در قاموس «سیاست منهای دین، سیاست منهای نگاه انقلابی و سیاست منهای فرهنگ» جایگاه دارد. این رقابت ها چه به روش های ناسالم انجام شود و چه به روش های سالم، نتیجه ای جز دادن نقش فرعی به مردم ندارد. مردم در این نگاه، حداکثر رای دهندگانی هستند که کاندیداهای مختلف باید بر دوش آنان بالا بیایند و انتخاب شوند و دغدغه های خود را پیگیری کنند. در نتیجه، آن چه درباره مردم مهم می شود نیز تنها این است که قانع شوند که باید به که رای دهندا در این چنین نگاهی، مهم نیست که رشد مردم در انتخابات تحقق یافت یا نه، مهم نیست که انتخابات، فرصتی برای یادآوری آرمان های انقلاب فراهم کرد یا نه، مهم نیست مردم در فرصت انتخابات با نیازها و اولویت های اساسی کشور در این زمان آشنا شدند یا نه، مهم نیست که کاندیداهای منتخب پس از انتخابات تحت نظارت رای دهندگان خود قرار می گیرند یا نه، مهم نیست که انتخابات موجب شفاف تر شدن فضای جامعه و ارتقای سطح فرهنگی آن شد یا نه. آن چه در این نگاه مهم است، فقط و فقط این است که مردم در روز انتخابات پای صندوق ها حاضر شوند و به کسی رای بدهند که مدعی است می خواهد به اهداف مردم و انقلاب خدمت کند.

د) آن چه باید باشد

در مقابل، آن جا که «نگاه دینی، انقلابی و فرهنگی به سیاست» مطرح می شود، مردم فرغ بر انتخاب شدگان نیستند، بلکه چگونگی و چرایی انتخابگری آنان است که اهمیت و اولویت می یابد. همچنین خود انتخابات فرغ بر نتیجه انتخابات نخواهد بود، بلکه برعکس، انتخابات به عنوان فرصتی برای حضور معهدانه مردم و طرح مجدد اندیشه های انقلابی شناخته می شود و البته نتیجه انتخابات نیز تنها یکی از ثمرات استفاده صحیح از فرصت و فضای فراهم شده شمرده می شود. هر رای نه فقط از آن جهت که قرار است نتیجه انتخابات را تعیین کند، بلکه از آن جهت که نماینده شناخت و اراده و استقلال و تعهد و دغدغه های رای دهنده است، اهمیت می یابد. و این جاست که نگاه تکلیف مدارانه به انتخابات در حد یک شعار و یک تعارف باقی نمی ماند و هر کسی خود را برای انداختن رای آگاهانه محتاج

– شجاعت، جدیت و صراحت در پیگیری مسائل مردم و برخورد با کجی ها و انحرافات
– تقوا و احتراز از استخدام هر گونه وسایل و مقدمات نامشروع برای کسب نتیجه
– سبب شفاف در ولایتمداری و انقلابی گری فداکارانه و غیرسیاسی
و ...

ج) دعوت عمومی و آگاهی بخش

دعوت از کسانی که صلاحیت کاندیداتوری برای مجلسی در شأن انقلاب و مردم را دارند، نباید در مذاکرات پشت پرده و سیاسی منحصر شود، بلکه باید دعوتی باشد علنی و عمومی و متکی به دلایل، چرا که خود این دعوت می تواند بهانه ای باشد برای گسترش آگاهی مداری.

د) مقبولیت ذیل اصلحیت و نه در عرض آن

معرفی بهترین ها، و آزاد گذاشتن مردم برای انتخاب آگاهانه مبتنی بر معیارها، خود به خود به انتخاب شدن بهترین ها می انجامد. به عبارت دیگر، مقبولیت به راحتی بوسیله اصلحیت بوجود می آید البته به شرط حضور به موقع و آزادانه افراد اصلح در صحنه. بنابراین کنار زدن عمدی اصلح ها به بهانه این که مقبولیت ندارند، هم خیانت به فرهنگ عمومی و هم عامل به تاخیر انداختن تحقق نتیجه است.

در واقع هر کاندیدایی نمایندگی مردم، باید علاوه بر ارائه سابقه عملکرد خود ناظر به فهرست ویژگی های مطلوب نماینده، و نیز پاسخگویی اصولی یا تخصصی به فهرست مسائل عینی کشور، در مرحله سوم سوالات ذیل را هم پاسخ دهد:

– بر چه اساسی خود را از سایر نامزدها اصلح می دانید؟

– برای تبلیغات انتخاباتی چقدر و از چه منبعی هزینه می کنید و این هزینه شما را بدهکار چه کسانی می کند؟

– فارغ از فضای لیست ها چه پشتوانه ای برای حضور در عرصه انتخابات و عرضه شدن به افکار عمومی مردم دارید؟

ه) ارائه فهرست به شیوه آگاهانه

گروه های انقلابی و نخبگان حزب اللهی پس از انجام دعوت عمومی خود از صاحبان صلاحیت، نباید از معرفی نامزدهای اصلح و تبلیغ برای آنان ابایی داشته باشند. در این جا ممکن است بر اساس مبانی قبلی این پرسش ها مطرح شود که «اگر هدف، فرهنگ سازی

یک کشور، یک ملت، هفتاد میلیون جمعیت، که فی نفسه یک چیز بسیار خطیر و بسیار عظیمی است. لیکن در شرایط ما، مسئله از این‌ها بالاتر است؛ مسئله، این است که همین کشور شما، این انقلاب شما، این نظام جمهوری شما، راه نوری را در برابر پای بشر امروز گشوده است... بحث بر سر مطرح شدن یک فکر نو، یک راه نو در مقابل بشر است؛ مثل دعوت انبیاء. یک نظام اسلامی عادلانه‌ی مبتنی بر تفکرات اسلامی به وجود بیآوریم، این را بلند کنیم سر دست بگیریم، به دنیا نشان بدهیم... قوه‌ی مقننه، تهیه کننده‌ی نرم‌افزار این حرکت عظیم است. ببینید چقدر مسئله مهم است». (رهبر انقلاب در دیدار نمایندگان مجلس هشتم)

فصل نهم

شیوه‌شناسایی و انتخاب نامزدهای اصلح

الف) حضور به موقع و بدون اهمال
اگر شایستگی و چهره‌های توانمند، حضور به موقع نیافته و تشخیص تکلیف شرعی خود را موقوف به روزهای نزدیک به انتخابات کنند، و گروه‌هی مردمی نیز وظیفه‌ی خود مبنی بر دعوت و معرفی چهره‌های اصلح را در زمان مناسب انجام ندهند مسلم است که افراد ناشایسته و فرومایه تا آن زمان زمینه‌های حضور خود را فراهم کرده‌اند و فضای خاص و عوام جامعه را با حضور نابخردانه خود گردآلود نموده‌اند. بنابراین هم کسانی که خود را موظف به کاندیداتوری می‌دانند و هم آنان که دغدغه تبلیغ برای شایستگان را دارند، باید چند ماه پیش از انتخابات ابتکار عمل را بر عهده بگیرند و البته تا لحظه آخر نیز دل جز در گرو معیارها نداشته باشند و هر لحظه به دنبال جوانداختن برترها و گزینش عادلانه باشند.

ب) ضرورت رصد و کشف چهره‌های جدید

نیاید به گزینش کردن از میان کسانی که نامشان مطرح است و از غربال نامرئی فضای آفت زده سیاسی گذشته اند اکتفا کرد. بلکه باید به دنبال شناسایی و کشف افراد توانمند و منهدم و معرفی آنان به فضای سیاسی بود. که دارای ویژگی‌های مطلوب باشند:

- توان تخصصی در حد سیاست گذاری و تقنین و نظارت
- فهم عمومی از مسائل مختلف کشور و شیوه دستیابی به راهکارهای متقن و انقلابی
- سابقه شفاف در پیگیری عدالت اجتماعی چه در سطح عمومی و چه در حوزه تخصصی خود
- هوشمندی سیاسی و درک پیچیدگی‌های باندهای قدرت و ثروت، لابی‌ها و ...

حجت شرعی می‌بیند. در این نگاه، مردم به صحنه نیامده‌اند تا فقط انتخابات را رقم بزنند، این انتخابات است که باید در خدمت رشد مردم و تقویت انقلاب به صحنه بیاید. تأکیدات مصرح رهبری در دوره‌های مختلف مبنی بر این که حضور حداکثری در انتخابات اولویت اول بوده و نتیجه انتخابات اولویت بعدی است، نشان از چنین نگرشی دارد.

خلاصه این که انتخابات باید بستر و بهانه‌ای برای رشد فکری و فرهنگی جامعه باشد نه ابزاری تنها برای ارتقای رتبه چند نفر که پس از انتخاب شدن نیز بی‌اعتنا به آگاهی و مطالبه و نظارت مردمی، کار خود را بکنند. تنها در صورت تحقق این نگاه، رشدمحور است که رقابت‌های انتخاباتی نیز رقابت‌هایی سالم و در خدمت پیشرفت کشور خواهند بود. مجلسی که از دل چنین انتخاباتی در پیاید، عصاره فضائل ملت است که امام می‌فرمود و صلاحیت قانونگذاری و نظارت را در نظامی که بر خون هزاران شهید بنا شده است خواهد داشت.

فصل دوم

نقش آفرینی مستقل مردم و خواص حزب‌اللهی

از میحث گذشته آشکار شد که مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس، بر نقش آفرینی پرستگرا، مستقل و موثر یکایک مردم بویژه نیروهای انقلابی و خواص معتقد به انقلاب به جای انفعال در برابر گروه‌های سیاسی و لابی‌های پشت پرده آنان، تأکید دارد. بر این اساس باید نقش مردم را در برابر لابی‌های سیاسی و تبلیغات رنگارنگ و توخالی، دوباره تعریف کرد. در این خصوص توجه به چند محور ضروری است:

الف) ضرورت شبکه مستقل مردمی

«وحدت» مردم در صحنه انتخابات نه به معنای رای دادن ناآگاهانه به لیست‌های سیاسی است، بلکه اشتراک در آرمان طلبی، آگاهی محوری، اخلاق مدارایی و مشارکت دلسوزانه در امور سیاسی و اجتماعی است. بنابراین وحدت مقوله‌ای است ذاتاً فرهنگی و مردمی و نباید گذاشت ائتلاف‌های سیاسی و پشت پرده خود را به عنوان نماد وحدت آفرینی جا بزنند. در عوض تن دادن به این بازی‌های سیاسی، نیروهای انقلابی باید با اتکا به قدرت عمومی مردم و با کمک از خواص و نخبگان انقلابی، به بازسازی یک شبکه ارتباطی مردمی و فارغ از ملاحظات سیاسی در میان خود پرداخته و به حضوری حد اقلی که صرفاً مساوای رای‌دادن مطابق بازی‌های از پیش تعریف شده است دل‌نسیارند.

و نقد مجلس اخیر با توجه به ملاحظات ذیل:

- نقاط مثبت و منفی مجلس هفتم در کنار هم لحاظ شود و هیچ کدام توجهی برای نفی دیگری تلقی نشود. رهبر انقلاب اسلامی نیز در دیدار خود با نمایندگان مجلس هشتم، ضمن تشکر از مواضع و نقش آفرینی های یکپارچه سیاسی این مجلس، در مورد عدم فعالیت جدی در مورد نظارت بر نمایندگان گله کردند.

- نمایندگان مشهد در مجلس هشتم باید مورد ارزیابی ویژه قرار گیرند و کارنامه عملکرد آنان در صحن علنی و کمیسیون های تخصصی، به مردم ارائه شود.

- نقد مدعیان اصولگرایی نباید باعث غفلت از نقد مدعیان اصلاح طلبی شود.

ز) نقد انتخابات گذشته:

- لیست بندی های سیاسی مربوط به انتخابات قبلی باید مورد نقد عینی قرار گیرند. مثلا اگر لیست ها، افراد اصلاح را به بهانه «تشکیلاتی نبودن» در خود جای نمی دادند، اکنون باید بررسی شود که نمایندگان مجلس هشتم چقدر تشکیلاتی عمل کردند؟ و یا حمایت از مدیریت دانشگاه آزاد توسط مجلس اصولگرا چه توجیهی دارد؟ همچنان که می توان پرسید بعضی از نمایندگان دوره های قبلی مجلس که در سراسر کشور با اتکا به لیست و منسوب کردن خود به رهبری و ارکان نظام رأی آورنده، اکنون کجا باید و چه می کنند؟

- حرکتهای آگاهی زدا در انتخابات قبلی مانند برخی لیست دادن های دوپینگی و ساندویچی، باید بر اساس مبانی دینی و انقلابی سنجیده شده و مورد نقد جدی قرار گیرند. در دوره های قبلی، برخی از سیاستون این گونه فکر می کردند که حق دارند یا توجیه هایی مثل «مصالح نظام و رهبری و ...» لیست های ضعیف و اصلاح گریز خود را ترویج کنند. باید با اتکا به ترویج اندیشه های امام و رهبری، در برابر چنین ذهنیت هایی هشدار بود.

ح) حساسیت ویژه مجلس در شرایط فعلی:

جایگاه ویژه ایران به عنوان «الگوی ملت های انقلابی» پس از تحولات عظیم جهانی در یک ساله گذشته، حساس تر شده است. در این میان مجلس شورای اسلامی، اولاً به عنوان تدبیرگر این دوران خطیر و ثانیاً به عنوان نماد جمهوریت نظام اسلامی نقش برجسته ای دارد. بعلاوه، طرح بحث انطاف پذیری نظام و امکان تبدیل مدل حاکمیتی کشور به مدل پارلمانی، از سوی رهبر انقلاب، نشان دهنده جایگاه برجسته مجلس و اهمیت پالایش آن از فرایندهای غلط، سنت های فاسد و عناصر کم کار و غیرمتمهد است.

«این قانونی که شما دارید تنظیم می کنید، در واقع نرم افزار حرکت عظیم این کشور است؛

مردم و نیروهای انقلابی باید و می توانند با اراده خود در برابر هجوم تبلیغات و معادلات سیاسی ایام انتخابات به پیروزی برسند. برای ایجاد این باور و امید، چند کار ضروری است: بازخوانی مبانی دینی مبنی بر ضرورت عمل بر اساس آگاهی و تکلیف شرعی، بازخوانی مبانی فکری انقلاب مبنی بر ضرورت مداخله آگاهانه عموم در امور جامعه، بازخوانی تجربه امیدآفرین تاریخی مبنی بر توفیقاتی که مردم و حرکتهای مردمی در مقابل بازی های سیاسی داشته اند.

ب) نگاهی به تجربه تلخ و شیرین فتنه

فتنه ۸۸ با تمام ضربه هایی که به انقلاب اسلامی وارد کرد، به لطف الاهی منشا برکاتی نیز شد، که عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد. یکی از این برکات، رویش های مردمی فراوان برای دفاع از ولایت و انقلاب و جدا شدن مرز انقلابیون خالص از سیاست بازان نان به نرخ روز خور بود. چهره ها، محافل، جریانات و نیز محصولات و آثار مستقل و مردمی متعددی در فضای فرهنگی، هنری، فکری، سیاسی، رسانه ای و ... در ایام فتنه سر بر آورده و به مقابله با دشمن برخاستند که از یک سو، نشان دهنده پتانسیل بالای مردمی بودند و از سوی دیگر نشانه یأس مردم از نخبگان، سیاستون، نهادهای متولی و ... که نتوانستند یا نخواستند در بحرانی ترین شرایط از آبرو یا امکانات و فرصت های خویش برای دفاع از رهبری و مردم و نظام هزینه کنند. حال در شرایط عادی انتخابات، چگونه سیاستون و نخبگان و محافل سیاسی ای که یا کمترین حداقلی، دویلهو و شدیداً عقب تر از حرکت های مردمی کرده اند و سخنی گفته اند بسیار حداقلی، دویلهو و شدیداً عقب تر از حرکت های مردمی بوده است، می خواهند برای حیات سیاسی انقلاب و نظام تعیین تکلیف کرده و به مردم پیروز در آزمایش فتنه، بگویند چه بکنند و چه نکنند؟!

هیچ یک از این گروه ها یا افراد حق دخالت در مسائل انقلاب از جمله انتخابات را ندارند مگر این که ابتدا از عملکرد خود در شرایط فتنه دفاع کرده و پس از تعیین فاصله خود از مردم و رهبری، به قدر قامت خویش ادعای تعیین تکلیف برای مردم را بکنند. البته «جذب حداکثری» با رعایت مراتب آن، یک اصل تخلف ناپذیر است که طبق آن باید حق مشارکت را برای گروه ها و چهره های مختلف پایبند به اصول نظام باقی گذاشت؛ اما هرگز به این معنا نیست که مردودین، یا کسانی که در فتنه از وظیفه روشنگری عمومی غفلت کرده و حداکثر به برگزاری جلسات داخلی اکتفا کردند، بخواهند در امر انتخابات برای مردم تصمیم سازی کنند.

ج) تجربه موفق گذشته در امر حضور مستقل

تجارب گذشته بویژه در انتخاب نمایندگان مجلس از مشهد، نشان داده است غلبه بر بازی

ج) مجلس چه چیزی نیست؟

– تفاوت مجلس با شورای شهر و شهرداری: نمایندگان مجلس به کل کشور تعهد داده و برای خدمت به تمام مردم ایران قسم یاد می کنند. نماینده یک شهر، باید دارای نگاهی ملی و کلان به کشور باشد و نه این که تنها به دنبال سهم خواهی منطقه ای به مجلس آمده باشد. اهتمام نمایندگان مجلس به رفع مشکلات محلی به جای تمرکز بر مسائل عمومی و همگانی مردم به نحوی که اغلب وقت نمایندگان به جای قانونگذاری و نظارت، به رتق و فتق امور حوزه انتخابیه می گذرد، امری خیانت آمیز است که با ضربه زدن به مصالح کل کشور و سوزاندن فرصت های عمومی کشور، ضربه غیرمستقیمی به حوزه انتخابیه هر یک از نمایندگان نیز وارد می کند.

– تفاوت مجلس با قوه اجرایی: شعارهایی که مدعی تغییرات مدیریتی و اجرایی در سطح شهری یا ملی اند شعارهایی تو خالی اند که این واقعیت را پنهان می سازند که نماینده جزئی از یک مجلس سیصد نفره است و تنها نقش تقنین و نظارت دارد و نه اجرا و مدیریت.

د) یک نماینده به تنهایی چه نقشی دارد؟

باید با نگاهی واقع بینانه هم محدودیت های یک یا چند نماینده خوب برای پیگیری آرمان ها را شناخت و معرفی کرد و هم توانایی ها و موقعیتی را که یک نماینده -حتی به تنهایی و بدون مشارکت سایر نمایندگان- دارد، طرح سؤال در صحن علنی مجلس و نیز دادن طرح هایی با نگاه تخصصی و کارشناسی، از جمله ای این توانایی ها و ظرفیت های فردی نماینده هستند. چنان که اگر طرحی پخته و مبتنی بر نیازهای کشور باشد، می تواند نظر نمایندگان و کارشناسان را به خود جلب کند.

ه) نقد فرایندهای فعلی مجلس

یکی از موضوعاتی که باید برای مردم باز شود، نقدهایی است که به وضعیت فعلی مجلس -فارغ از ادوار و نمایندگانش- وارد است. فسادپذیری نمایندگان به خاطر ارتباط غیرشفاف با ورزا و سایر صاحبان قدرت در کشور، غالب شدن نگاه سیاسی قبیله ای به جای نگاه کارشناسی در کمیسیون ها و جلسات علنی، تبعیت کورکورانه از یک یا چند نفر لیبر در مجلس، نبودن نگاه میان رشته ای در تصویب طرح ها و لوایح و در نتیجه بخشی نگرایی و ... از جمله ای این فرایندهای فاسدند که اصلاح شان مستلزم اصلاح قوانین و آیین نامه های مجلس، انتخاب نمایندگانی دلسوز و کاربلد و نیز رشد دادن به بحث نظارت بیرونی و درونی مجلس است.

های سیاسی و لیست بندی های ناآگاهانه امری ناممکن نیست. انتخاب چهره هایی چون دکتر دیالمه و دکتر علوی برای نمایندگی مجلس بدون آن که در لیست قرار گرفته باشند، انتخابات نهم ریاست جمهوری که در آن دکتر احمدی نژاد بدون این که حتی از سوی به اصطلاح اصولگرایان نیز مورد اجماع باشد، حائز رتبه اول شد، و نیز تجارب مجمع مطالبه و نیروهای همفکر در انتخابات ششم و هفتم مجلس در مشهد (آرای بالا و رو به افزایش نامزدهای مورد نظر مجمع مانند دکتر جلیلی و دکتر بحرینی بدون تبلیغات متعارف) و ... حداقل نمونه هایی است که باید بازخوانی شوند. این که هر موفقیتی چگونه به دست آمده و نقش تبلیغات آگاهی بخش، حمایت علما و نخبگان انقلابی و نیز ایجاد شبکه های ارتباطی مردمی در این موفقیت تا چه حد بوده است، موضوعات قابل بررسی و احیانا قابل الگوگیری برای فعالیت امروز ما خواهند بود.

از آن سو نگاهی به تجربه لیست بندی های سیاسی گذشته نشان می دهد که چگونه با سوء استفاده از اعتماد مردم، افرادی به مجلس فرستاده شدند که به هیچ وجه برخواسته از پتانسیل واقعی مردم انقلابی مشهد نبودند. به راستی طراحان لیست های ادوار گذشته باید بگویند بعضی نمایندگان مشهد مانند خانم صدیقی و آقای شیرزبان و ... اکنون کجايند و در تحولات بزرگ اخیر ملت ایران در کدام جبهه ایفای وظیفه کردند؟

د) جایگاه مهم روحانیت و مساجد

بر اساس نگرش دینی و نیز تجربه عظیم تاریخی انقلاب اسلامی، مهم ترین رکن شبکه های اجتماعی مردم ایران، روحانیت، مساجد و هیئاتند. حرکت سیاسی لاجرم نیاز به شاخص ها، رهبران و محافل خود دارد. اگر این حرکت سیاسی، با نگاهی غیردینی و غیرانقلابی و غیرمردمی تعریف شود سیاسیون و پاتوق های در بسته سیاسی این نقش را ایفا می کنند و اگر حرکت سیاسی بر اساس مبانی دینی و انقلابی و با نگاه مردمی و فرهنگی تعریف شود، این علما و روحانیت متعهد و دلسوزند که باید پشتوانه و شاخص این حرکت باشند و مساجد و هیئاتند که باید همچون روزهای مبارزه و پیروزی انقلاب و ایام جنگ، محفل آگاهی بخشی سیاسی و سازماندهی به مشارکت سیاسی مردم نیز باشند. البته مراجعات صرفا سیاسی و مقطعی به روحانیت و علما، قاعدتا بسیاری از ایشان را نسبت به فضای سیاست زده موجود دلسرد و بی اعتماد کرده است، در حالی که مراجعه صادقانه و مستمر مردمی به روحانیت، می تواند زمینه ساز حضور آنان حتی در عرصه مصداقی نیز باشد.

در کنار نقش علما و روحانیت، کارکردهای تخصصی سایر نخبگان و خواص حزب اللهی و محافل و مراکز فرهنگی و اجتماعی و سیاسی آنان باید به طور مجزا مورد توجه قرار

گیرد، بازتعریف نقش اساتید دانشگاه‌ها، فعالان مسجدی، تشکل‌های دانشجویی، نهادهای فرهنگی مردمی، پاتوق‌های فکری و سیاسی حزب الله و ... هر یک به طور مستقل لازم است و باید در هر مورد به شیوه صحیح دعوت از آنان برای حضور در صحنه توجه کافی شود.

۵) رسالت سنگین بسیجی

نقش موثر و ایجابی بسیج و نیروهای دلسور بسیجی، در «بسط گفتمان انقلاب اسلامی، تزیین آگاهی و دردمندی سیاسی به تک تک مردم و ایجاد شبکه‌ای مردمی برای پیش بردن امور انقلاب و نظام» باید مورد توجه جدی قرار گیرد. مجمع مطالبه که خود را مفتخر به پیگیری تفکر بسیجی می‌داند، دعوت از عموم نیروهای انقلابی بسیج به حضوری حداکثری در تمامی مراحل انتخابات آن هم با اتکا به اندیشه و مطالبات امام و رهبری (و نه حضوری حداقلی و مطابق سلاطین سیاسیون) را یکی از وظایف جدی خود می‌داند.

فصل سوم

بررسی صف بندی های سیاسی اخیر و نسبت حزب الله با آن

«ما دوجور حزب داریم: یک حزب عبارت است از کانال کشتی برای هدایت‌های فکری؛ حالا چه فکری به معنای سیاسی، چه فکری به معنای دینی و عقیدتی. اگر چنانچه کسانی این کار را بکنند، خوب است. قصد عبارت از این نیست که قدرت را در دست بگیرند؛ میخواهند جامعه را به یک سطحی از معرفت، به یک سطحی از دانایی سیاسی و عقیدتی برسانند؛ این چیز خوبی است، البته کسانی که یک چنین توانایی‌ای داشته باشند، به طور طبیعی در مسابقات قدرت، در انتخابات قدرت هم آنها صاحب رأی خواهند شد، آنها برنده خواهند شد؛ لیکن این هدفشان نیست. این یک جور حزب است؛ این مورد تأیید است. یک جور حزب، تقلید از احزاب کتونی غربی است... احزاب کتونی غربی به معنای باشگاه‌هایی برای کسب قدرت است؛ اصلاً حزب یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت. یک گروهی با هم همراه میشوند، از سرمایه و پول و امکانات مالی خودشان بهره‌مند میشوند، یا از دیگران کسب میکنند، یا بندوبست‌های سیاسی میکنند، برای اینکه به قدرت برسند. یک گروه هم رقیب اینهاست؛ کارهای مشابه اینها را انجام میدهد تا آنها را از قدرت پائین بکشد، خودش بشود جایگزین... من اینجور حزبی را تأیید نمیکنم. اینجور حزب‌سازی، اینجور حزب‌بازی معنایش عبارت است از کشمکش قدرت؛ این هیچ وجهی ندارد.» (بیانات رهبر انقلاب، در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۲۴ مهر ۹۰)

۱۱- برای اتخاذ نقش سیاسی درست با استفاده از تریبون موثر مجلس، نمایندگان باید از اقتدار، همکاری و بصیرت برخوردار باشند.

۱۲- نمایندگان باید به خودسازی، قرائت و انس با قرآن، دعه اصلاح خود، زودن غفلتها، داشتن جلسات اخلاقی و معرفتی و استغاثه و استعانت از درگاه الاهی اهتمام داشته باشند.

۱۳- مجلس باید با قوه مجریه مدارا داشته باشد و از ایجاد هر گونه اصطکاک پرهیز کند. بالاخص در مواردی که قوانین موجود ابهام داشته و مرز عملکرد و تعامل این دو قوه را از هم به دقت تفکیک نکرده است.

۱۴- ضرورت مردمی ماندن، پرهیز از شکل دادن به یک طبقه‌ی برخوردار اشرافی جدید و پرهیز از خوی اشرافی.

۱۵- پرهیز از اسراف و طعمه انگاشتن مسؤلیت.

۱۶- پیگیری اختلاف آراء در محیطی سالم و آرام، افزایش روحیه تحمل و اجتناب از لجاجت در اختلاف‌ها.

۱۷- خود نظارتی و تقوای جمعی برای جلوگیری از کجرفتاری نمایندگان.

۱۸- جدی گرفتن جلسات و کمیسیون‌ها چه از لحاظ نظم و چه از لحاظ کار تخصصی و مطالعه شده.

۱۹- نزدیک نشدن به صاحبان قدرت و ثروت به خاطر نامین نمایندگی یک دوره.

۲۰- جلوگیری از اسراف در هزینه‌ها و سفرهای مجلس.

ب) حساسیت و اهمیت مجلس:

برای ترغیب مردم به انتخابی دقیق‌تر، باید تبیین شود که مجلس (با در اختیار داشتن دو ابزار مهم قانونگذاری و نظارت) چه نقش حساس، مؤثر و کلیدی‌ای در عرصه‌های زیر بازی می‌کند:

- تبدیل مطالبات عمومی و نیز اصول مغفول قانون اساسی، به برنامه‌های عینی و الزامات قانونی

- تحقق الزامات دهه پیشرفت و عدالت و سند چشم‌انداز

- تعیین و تفریح بودجه

- نظارت بر نهادهای و جلوگیری از نفوذ فساد در سیستم مدیریتی کشور

- تغییر شرایط کلان و عمومی کشور و سرنوشت اقتصادی و فرهنگی مردم با کوچکترین

تصویب و نشست و برخاست

و ...

فصل هشتم

تبیین جایگاه مطلوب مجلس و وضعیت موجود آن

تبیین جایگاه واقعی مجلس و تاثیرات مهمی که می تواند بر سرنوشت کشور بگذارد، هم عزم مردم را برای انتخابی دقیق تر برمی انگیزد و هم توقع آنان از نقش و کارکرد مجلس را منطقی می کند. همچنین نقد مجلس و آسیب هایی که متوجه آن است، نقد عملکرد مجلس هشتم و نیز نقدانتخابات دوره گذشته مجلس، هم فرصت مجددی برای طرح مباحثی انقلاب است و هم زمینه ای برای آگاهی بخشی عینی به مردم و کمک به انتخابی شایسته و نظارتی دقیق پس از انتخابگری. این وظایف تبیینی، باید در چند محور محتوایی دنبال شود:

الف) ویژگی های مجلس و نماینده کارآمد:

- ۱- بر اساس سخنان رهبری در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مجلس کارآمد در حیثه های قانونگذاری، نظارت، موضع گیری سیاسی و ... دارای چنین ویژگی هایی است:
- ۱- قانون مصوب مجلس باید جامع، کامل، ماندگار، کارشناسی شده، گرهگشا و ناظر به مشکلات زندگی مردم باشد.
- ۲- قانون باید قابل تطبیق با شرایط گوناگون، مفید، صریح، شفاف و غیر قابل تأویل باشد.
- ۳- قانونگذاری نباید تحت نفوذ افراد متنفذ قرار گیرد.
- ۴- قانونگذاری باید با ارزش های انقلاب و نیز نیازهای مردم سنجیده شود.
- ۵- باید در قانونگذاری توجه همزمان به دو خصوصیت «آرمان گرایی» و «واقع بینی» داشت.
- ۶- باید در قانونگذاری علاوه بر ابعاد حقوقی، به تاثیر فرهنگی و تربیتی هر قانون در جامعه توجه داشت.
- ۷- قانونگذار باید به کل کشور نگاه داشته باشد و نه فقط به منطق و حوزه انتخابیه خود.
- ۸- قوانین باید عدالت و پیشرفت را به صورت توأمان محقق کند.
- ۹- نظارت چه با ابزارهایی مثل دیوان محاسبات و کمیسیون اصل ۹۰ و چه مستقیماً از سوی نمایندگان مثل سوال و تذکر و استیضاح، باید به طور مستمر، منصفانه و جدی دنبال شود.
- ۱۰- نظارت نباید وسیله ای برای معارضه ی نیروها و گروه های سیاسی گردد.

نگاهی کلی به جریانات سیاسی و نسبت ما با آنان

اولاً، نیروهای انقلابی به تبعیت از رهبر انقلاب، به دسته بندی های توهمی و مشهور سیاسی اعتقاد ندارند. گرچه گاه ناچاریم برای نام گذاری قبایل سیاسی، به عناوین مشهوری چون چپ و راست اشاره کنیم، اما اساس این دسته بندی، هم تعریف شفافی پشت سر خود ندارد و هم تقسیمی انحصارگرایانه و غیرصادقانه است. همچنین ما بر اساس اعتقاد به روشی که رهبر انقلاب آن را «اصولگرایی اصلاح طلبانه» نامیده و به تفصیل درباره شاخص های آن سخن گفته اند، دسته بندی رایج اصولگرایان و اصلاح طلبان را نیز غلط و ادعایی می دانیم. نه جریانات موسوم به اصولگرایی، تماماً شرط اصولگرایی را به جا آورده اند، و نه رفتارهای جریان موسوم به اصلاح طلب، مصداق اصلاحگری و تحولگرایی انقلابی بوده اند. ثانیاً، ما جریانات و افراد سیاسی را با شاخصه «همخوانی و قرابت عملی» به رهبری و مردم و پیگیری آرمان های انقلاب تقسیم بندی می کنیم. در واقع معیار نیروهای انقلابی و حزب الهی برای نسبت برقرار کردن با افراد و جریانات سیاسی، علاوه بر «شعارها»ی انتخاباتی و «مواضع»ی که قبل از انتخابات داشته اند، «عمل»ها و نحوه رفتار و سلوک سیاسی ای است که تا کنون داشته اند.

ثالثاً، منطق و فرایند جبهه بندی های سیاسی و بسیاری از بازی های ائتلافی رایج (چند بعلاوه چند و غیره)، نه تنها برای مردم و بسیاری از نخبگان انقلابی شفاف نیست، بلکه این ابهام گاهی به طنز مضحکی نیز شباهت پیدا می کند که در دراز مدت برای مردم ایجاد دلزدگی می کند. بویژه وقتی که بد اخلاقی های سیاسی، بازی های رسانه ای به جای اتکا به پایگاه مردمی، منفعت طلبی های اقتصادی و ... کارنامه جریانات و عناصر سیاسی را غیرقابل قبول تر نشان می دهد.

رابعاً، جریانات مشهور سیاسی کشور، همه ی جریانات و نیروهایی نیستند که بالقوه یا بالفعل در عرصه سیاسی حضور دارند و قدرت تاثیر گذاری بر کشور را دارند. پتانسیل های مردمی و نخبگانی فراوانی که به سبب محرومیت از زانت های رسانه ای، سیاسی و اقتصادی در حاشیه بوده اند، باید احیا شده و وارد چرخه حرکت های سیاسی شوند.

خامساً، در نهایت ما ضمن لحاظ کردن نکات فوق، در یک دسته بندی کلی، جریانات مشهور و فعال سیاسی فعلی کشور را در سه دسته مورد بررسی قرار می دهیم:

الف) جریانات سالم و صادقی همچون جبهه پایداری، قرارگاه عمار و بسیاری از ستادهای سابق دکتر احمدی نژاد، که عمدتاً نوپا هستند و البته کاستی ها و آفات قابل تاملی دارند. ب) جریاناتی که در امر سیاسی، حرفه ای و باسابقه اند و عمدتاً فاصله قابل توجهی با رهبری و مردم داشته و در فتنه ۸۸ مردود شدند.

ج) جریان‌ات به کلی مردود و مطرودی که مخالفت شان با مسیر انقلاب و مردم روشن است.

الف) جریان‌ات مستقل و نوپا؛ در معرض آفات سیاسی کاران حرفه‌ای

بسیاری از افراد یا جریان‌اتی که همگام با رهبری و مردم در تحولات سیاسی پیش آمده و کارنامه قابل دفاعی در ایام فتنه ۸۸ دارند، در حال سازماندهی مجدد خود برای حضور در فضای سیاسی کشورند. مردم انقلابی و حزب الله کشور بدنه اصلی این دسته را شکل می‌دهند اما تجلی این جریان ممکن است در گروه‌ها و مجموعه‌های مختلفی بروز کند. باتوجه به این که این مجموعه‌ها هنوز به طور کامل به ثبات نرسیده و در حال شکل‌گیری و سازماندهی هستند، با نگاهی به آینده چند هشدار و پیشنهاد جدی برای این جریان قابل ذکر است. به عبارت دیگر جریان انقلابی اصیل و ولایت‌مداری که کوشیده است صادقانه و ولایت‌مدارانه حرکت کند، می‌تواند با توجه به ملاحظات زیر، هویت سیاسی خود را به درستی باز یابد:

۱- رویکرد سلبی و تنزه طلبانه نسبت به جریان‌ات مطرود، برای اثرگذاری مفید بر فضای سیاسی کشور کافی نیست.

جریان انقلابی مستقل، باید با نگاهی آرمانی و رو به جلو، نیازها و اولویت‌های کشور را شناخته، معرفی کرده و مطالبه کند و به مرزبندی با جریان فتنه و جریان انحرافی بسنده نکند. جمع شدن بر مدار یک نگرش سلبی، دو تجربه سیاسی دیگر در تاریخ پس از انقلاب اسلامی را تداعی می‌کند: اول، حزب جمهوری اسلامی که پس از اضمحلال جریان‌ات نفاق در فضای سیاسی کشور، کارکرد اصلی خود را از دست داد. و دوم، جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی که آن نیز پس از مدت کوتاهی نتوانست حیات خود را در مقابل جریان‌ات حرفه‌ای و ریشه دار سیاسی حفظ کند و از ارزشهای انقلاب در برابر سیاسی کاری‌های حضرات چپ و راست دفاع جانانه‌ای کند. جریان‌ات سالم و مستقل سیاسی باید علاوه بر مرزبندی با جریان‌ات منحرف یا مردود، گفتگمانی جامع، ایجابی، منسجم و منضم به برنامه‌ها یا راهبردهای عینی ناظر به نیازهای واقعی کشور در موضوعات مختلف داشته باشند.

۲- شکل و مدل حضور انتخاباتی این جریان نباید مشابه حضور سایر جریان‌ات باشد.

جریان مستقل و انقلابی سیاسی باید ضمن حفظ شأن فکری و فرهنگی خود، فعالیت انتخاباتی را یک پدیده دینی، مردمی و انقلابی ببیند که از نقطه طرح گفتگمان تا نقطه نهایی تبلیغ برای نامزدهای انتخاباتی، پدیده‌ای متمایز از سایر حرکت‌های سیاسی است. بویژه، این جریان نباید برای حضور سیاسی خود، به دنبال منافذی در جناح‌های سیاسی موجود

ب) عمل به جای ادعا: عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری باید با معیار عملکرد افراد و گروه‌ها سنجیده شوند و نه با عنوان و ادعایشان. بنابراین شیوه‌ها همچون گذشته، «نقد عمل به جای علم» است و باید در این مسیر به تحلیل سوانح عینی مدعیان عدالت بپردازیم.

ج) مردمی بودن عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری:

تحقق عدالت بدون «مطالبه عمومی، مشارکت عمومی مردم و تعمیق شعور و شور» غیرممکن است. بنابراین هر گاه عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری تبدیل به یک امر بالایه پایین یا جریان‌ی رایج در فضای خواص سیاسی شود، و نقش مردم در مطالبه و تحقق آن لحاظ نگردد دچار آسیب اساسی شده است.

د) عدالت در تمام روشها:

عدالت نه فقط ناظر به آرمان‌ها و قله‌ها بلکه باید یک اصل حاکم بر تک‌تک حرکات‌ها و مرحله‌به‌مرحله سلوک سیاسی و مدیریتی و فرهنگی کشور تلقی شود. تمسک به روش‌های غیرعادلانه برای رسیدن به عدالت، امری بی‌معنا و بی‌اثر است. بنا بر این هر فرایندی که در آن اولویت‌ها رعایت نشده باشد و هر انتخابی که در آن تفکر شایسته‌سالاری بی‌چون و چرا لحاظ نشده باشد، در خلاف جهت گفتگمان عدالت است، هرچند تصور شود به نفع استقرار نظام عادلانه در کشور است. این‌جاست که آرمان عدالت اجتماعی به طور جدی با بحث عدالت فردی گره می‌خورد.

ه) عینی‌خواستن عدالت و تعریف نسبت آن با پیشرفت:

عدالت باید از یک شعار کلی و مبهم خارج شده و در همه حوزه‌های عینی حرکت فردی و اجتماعی تعریف شود. نگاه تخصصی به استقرار عدالت و ضرورت برخورداری از توان علمی و مهارت عملی لازم برای استقرار عدالت در زمینه‌های مختلف اقتصادی فرهنگی مدیریتی سیاسی و ... یک اصل انکارناپذیر است. بنابراین باید هم در بسط گفتگمان عدالت و هم در مطالبه عدالت، آن را در پیوند با حوزه‌های تخصصی لحاظ کرده و البته تخصص را نه امری فارغ از تعهد، بلکه پیوسته به آن بشناسیم و از نسبت تنگاتنگ عدالت با بحث پیشرفت، نهضت تولید علم، سند چشم‌انداز بیست‌ساله و سایر آرمان‌ها و بایسته‌هایی که پیوند دهنده فضای عینی برنامه‌ریزی و مدیریت کشور با آرمانهای انقلابند، غافل نشویم.

یابد. اگر از مجرای قانونی، حکم و عملی صورت گرفت، دخالت در آن از سوی هر شخص و نهاد داخلی، و به طریق اولی خارجی، به هیچ وجه پذیرفته نخواهد بود. به نظر می رسد کمترین و البته کلیدی ترین کار برای برون رفت از تهدید بی حرمتی به انتخابات و نامتی کشور، «عمل به قانون» است.

فصل هفتم

بازخوانی گفتمان عدالتخواهی

عدالت و پیشرفت همه جانبه فکری و معنوی و اقتصادی و سیاسی، همچنان سرفصل مطالبات مردم و رهبری بوده و حرکتهای فرهنگی و سیاسی ما نیز در ذیل همین گفتمان تعریف می شوند. البته در چند ساله اخیر، گفتمان عدالتخواهی عمومیت بیشتری یافته و دولت نهم و دهم نیز بر مبنای آن استقرار یافته است. از یک طرف این اقبال مثبت، باید پشتوانه ای برای برداشتن گام های بعدی در این مسیر باشد. و از طرفی «نگاه شماری و ادعایی به عدالت و عدالتخواهی» که در پی عمومی شدن این گفتمان در بعضی از سطوح رخ داده است، آفتی است که برای دفع آن باید به تدقیق و تصحیح آموزه عدالت و فرهنگ عدالتخواهی پرداخت. همچنین باید توجه به پیشرفت اقتصادی البته با نگاه انقلابی و جهادی و در راستای شکل دهی به یک اقتصاد مقاومتی در کنار گفتمان عدالتخواهی تبیین شده و همچون عدالت به مطالبه روشن حزب الله تبدیل شود. از این جهت ضرورت دارد تعریف روزآمدی از عدالت و عدالتخواهی و تفاوت نگاه خود با سایر نگاه های آسیب زده و کلیشه ای در این باب، داشته باشیم. به اعتقاد ما در این مقطع، گفتمان عدالت باید با پنج قید ضروری آن مورد تاکید قرار گیرد:

الف) عدالت در جامعیت آن:

عدالت اجتماعی بدون سایر آرمان ها و ارزش های دینی و انقلابی بی ارزش است. اگر عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اجزاء منظومه تائید اسلام ناب محمدی (ص) دیده شود، اگر جامعیت «عقلانیت-عدالت-معنویت» که مورد تاکید رهبر انقلاب اسلامی در یکی از دیدارهای خود با هیئت دولت بود مورد توجه قرار نگیرد، اگر عدالتخواهی بدون آزاداندیشی و بدون سایر اصول انقلاب ترویج شود و ... به جای آن که به رشد جامعه کمک کند، می تواند بستر ساز برداشتهای انحرافی از خود عدالت نیز باشد.

و لیست های از پیش تعیین شده، باشد! در واقع این جریان به جای نزدیک کردن خود به سیاستون و سایر جریانات سیاسی ای که قبلا مورد تحلیل قرار گرفتند، باید قدرت مردمی خود را باز یافته و خود را به مردم و نجنگان مستقل مردمی نزدیک کند و برای چندمین بار فریب سهمیه بندی ها و لابی های سیاسی را نخورد.

۳- جریان مستقل سیاسی باید از آلودگی به عناصر و نیز روش های سایر جریانات در حیات سیاسی خود اجتناب کند.

اختلاط با نیروهایی که بعضاً سابقه انقلابی گری شفافى نداشته و متعلق به جریانات مردود سیاسی کار دیگر بوده اند، باید به عنوان آسیبی جدی مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین این جریان باید متوجه باشد با تکرار رفتارهایی چون افراط و تفریط، شخصیت زدگی، پوشاندن عیوب خود ذیل شعارها و روابط موجه و ... به عاقبت جریانات چپ و راست دچار نشوند. حمایت مردم و نیز حمایت نجنگان انقلابی ای همچون آیت الله مصباح یزدی از هر جریان، در واقع حمایت از نقاط قوت آن جریان است و نباید توجیهی برای حفظ یا گسترش نقاط ضعف جریانات به شمار بیاید.

۴- پایتخت زدگی نباید در این جریان نیز مشاهده شود.

آن چه در فضای ائتلاف ها یا رقابت گفتمان ها و جریان های سیاسی مشاهده می شود، غفلت کامل از فضای غیرتهرانی است. گویی هنوز در عصر پیش از مردم سالاری دینی زندگی می کنیم و قرار است هر آن چه سیاستون پایتخت نشین در تهران بر سر آن به توافق یا اختلاف رسیدند، ملاک عمل در کل کشور باشد. کشمکش ها توسط رجال تهرانی انجام می شود، رسانه های تهرانی یا تهران زده آن ها را منعکس می کنند، هسته های اصلی در تهران شکل می گیرد و آن گاه ناگهان لیست های شهرستان ها منتشر می شود! در این شرایط، هم از ظرفیت نجنگان و جریانات غیرتهرانی استفاده نمی شود، هم واقعیت های سیاسی مغفول می مانند (برای مثال، نهادهایی که در مشهد صاحب رای و نفوذ هستند لزوماً همان جریاناتی نیستند که در تهران یا شیراز صاحب نفوذند و ...)، و جالب تر از همه این که گاه جریانات سیاسی مختلف با ادعاهایی متفاوت از هم، در بعضی شهرها به لیست های مشترکی می رسند که نه با معیار اصلحیت سازگارند و نه با شعارهای این جریان ها؛ فلان سیاسی کار محافظه کار زیر پرچم فلان جریان مدعی تحول گرایی تبلیغات می کند و هکذا ... اگر نجنگان و سیاستون پایتخت، برای کل کشور دایه مهربان تر از مادر نشوند، مردم و علما و نجنگان انقلابی هر شهر قدرت تشخیص صلاح و اصلح خود را دارند. جریانات جدید و مستقل سیاسی هم باید متوجه آفات تهران زدگی باشند.

ب) جریان‌ات سیاسی مردود و مرد
جریان‌ات و چهره‌هایی که در فتنه ۸۸ کارنامه قابل قبولی ارائه ندادند و امروز صلاحیت پرچمداری حرکت‌های سیاسی مردم انقلابی را ندارند، عبارتند از:

۱- ساکنین:

مقصود از ساکنین، کسانی است که در ماجرای فتنه و هر تحول سیاسی دیگری مهر سکوت بر لب داشتند و حیات خود را مدیون محافظه‌کاری زیرکانه خویش هستند. این افراد و جریان‌ات استعداد بالایی برای خدمت به جریان منفعتم‌طلب و تکوکرات‌داشته و در ادوار گذشته نیز نشان‌دهنده قدرت بالایی برای تظاهر به شعارهای غالب هر دوره دارند. بعید نیست چنین چهره‌هایی این بار نیز با ظاهری موجه و انقلابی نما و با شعارهایی مبنی بر ولایت‌پذیری و خدمت به مردم و گسترش عدالت و مقابله با جریان‌انحرافی و ... به میدان بیایند در حالی که کارنامه عملی‌شان هیچ نشانی از پیگیری آرمان‌های انقلاب و فرامین رهبری ندارند.

۲- مدبذبین:

برخی از جریان‌ات و چهره‌ها در تحولات اخیر کشور فعال بوده و علیه جریان فتنه و جریان‌انحرافی نیز مواضعی اتخاذ کرده‌اند، اما در ماجرای فتنه از رهبر انقلاب عقب‌تر و در ماجرای مشهور به جریان‌انحرافی از رهبر انقلاب جلوتر حرکت کرده‌اند. بسیاری از چهره‌ها و مجموعه‌هایی به اصطلاح اسولگرا با تمام تنوع ظاهری و مرزبندی‌های قدیمی و جدیدشان، در واقع ذیل همین دسته قابل بررسی‌اند. این جریان‌ات به صرف مخالفت با جریان فتنه و جریان‌انحرافی خود را لایق مدیریت کردن فضای سیاسی کشور می‌بینند، در حالی که اولاً بسیاری از بزرگان و نمادهای همین جریان در ماجرای فتنه ریزش کردند، و ثانیاً نحوه برخورد این جریان با فتنه‌گران، در مقایسه با نحوه برخورد رهبری بسیار متفاوت بود.

در زمانی که رهبر انقلاب عمارها را به میدان روشنگری فرا خوانده و از سکوت یا مواضع دوپهلوی خواص گلایه می‌کرد، این جریان‌ات با سکوت کرده بودند و با بسیار محتاطانه و ضعیف به میدان حمایت از آرای مردم و گفتمان عدالتخواهانه انقلاب پا می‌گذاشتند. البته با گذشت زمان و پس از حل شدن معما، اندک‌اندک به سخن آمده و تا امروز خود را به جبهه مخالفان فتنه رسانده‌اند. در عوض، به محض آشکار شدن کوچک‌ترین خلی در اطرافین رئیس‌جمهور و مطرح شدن مسأله جریان‌انحرافی، همین افراد و جریان‌ات آن چنان جانانه به میدان ناخند برای نظام کاسه داغ‌تر از آش شدند که رهبری ناچار شد در تریبون عمومی کشور از آنان بخواهد کل حیثیت یک فرد را به خاطر نقاط منفی‌اش زیر سوال نبرد و مدام این‌جا و آن‌جا درباره این موضوع تحلیل نکنند.

و نقطه توجه، هم فرصت می‌تواند باشد و هم تهدید. حتی می‌توان با مدیریت صحیح، تهدیدهای احتمالی را به فرصت تبدیل کرد. همان‌گونه که تمامی عرصه‌های حساس و چالش‌برانگیز انقلاب تا کنون، به برکت هدایت رهبری و استقامت و بصیرت مردم، تبدیل به نعمت و برکت شده است.

۳- تجربه انقلاب اسلامی نشان داده است که «مردم و رهبری» با استقامت‌شان در مسیر دین و انقلاب، منابع ایجاد امنیت برای کشور بوده و «دشمنان درونی و بیرونی انقلاب اسلامی» منابع ایجاد ناامنی برای کشورند. در این میان، «بی‌تدبیری مسئولان» و «قدرت طلبی سیاسیون» بهترین زمینه را برای فرصت طلبی دشمن فراهم کرده و می‌تواند کشور را در معرض تهدید ناامنی قرار دهد. سیاست زدگی خطرناکی که گروه‌های سیاسی کار با هدف کسب کرسی در مجلس شورای اسلامی در فضای انتخابات تزیق می‌کنند، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های برتری جویی مفسدانه و از بسترهای ایجاد ناامنی است. همچنین از آن‌جا که حضور حداکثری مردم در انتخابات، مهم‌ترین پشتوانه امنیت و حضور کمزنگ مردم زمینه ناامنی است، هرگونه تلاش برای دلسرد کردن مردم با نیت مغرضانه یا روش‌های جاهلانه چون سیاه‌نمایی، ضربه‌ای بر امنیت کشور است. هر بی‌تدبیری‌ای در عدم شفافیت فضای انتخابات یا ایجاد فشارهای نایزدانه بر اقشار مختلف مردم در آستانه انتخابات نیز (مثلاً فشار بر دانشجویان به خاطر تحقق خصوصی سازی دانشگاه‌ها و خوابگاه‌ها و ...) می‌تواند به ایجاد ناامنی کمک کند.

۴- بهترین مبارزه با ناامنی، ایجاد امنیت از طریق اتکا به منابع امنیت است. هرچه زمینه طرح کردن مبانی و آرمان‌های انقلاب و اندیشه‌های امام و رهبری بیشتر فراهم باشد، هر اندازه زمینه حضور حداکثری و البته آگاهانه مردم بیشتر مهیا شود و نیز هر قدر نخبگان مستقل حزب‌اللهی به گفتمان سازی و فضا سازی ایجابی و بصیرت‌افزای خود مشغول شوند، دیگر زمینه ایجاد ناامنی وجود نداشته یا بسیار ضعیف خواهد بود. بلکه بالعکس انتخابات بیش از پیش منبع تغذیه امنیت خواهد شد. به عبارت دیگر، آشوب و فتنه و اغتشاش، در تازیکی و چهل و غفلت رخ می‌دهد. پس اگر افکار عمومی نسبت به ماهیت فضای سیاسی کشور، اهداف رهبری، اغراض دشمن، موضوع رقابت انتخاباتی و ... توجه شده و بر اساس مبانی انقلابی روشن شده باشد، دیگر نوبت به انفعال در برابر ناامنی نخواهد رسید.

۵- همانگونه که در فصل‌های قبل ذکر شد، انتخابات سالم، به حضور گزینه‌های آگاه و شایسته، اطلاع‌رسانی و تبلیغ و شناساندن گزینه‌ها، تشخیص و شناسایی مردم و دادن رای به صورت آزادانه و همچنین برگزاری انتخابات و فصالت‌های قبل و بعد آن از سوی دستگاه‌های اجرایی است. و تمامی این فرآیندها در بستر قانون و احترام به قانون معنا می‌

الیه مدعین». اگر حق را به ما دادند، آنی که ما میخواهیم، سر کار آمد، قانون را قبول داریم؛ اگر آنی که ما میخواهیم، سر کار نیامد، میزنیم زیر قانون؛ نه قانون را قبول داریم، نه رأی مردم را قبول داریم؛ این نمیشود. فتنه‌ی ۸۸ همین جور بود. ادعا کردند که قانون گرا هستند، بعد خب مردم به آنها رأی ندادند، اکثریت مردم به کس دیگری رأی دادند؛ اینها بنا کردند دعوا راه انداختن که چرا! کشور را، ملت را مدتی مضطرب کردند، دشمن را خوشحال کردند؛ البته آخرش هم در مقابل مردم دیگر تاب نیاوردند و عقب نشستند. یک نکته هم البته انتخاب نماینده‌ی دلسوز و مؤمن و علاقه‌مند است... مردم باید کسانی را انتخاب کنند که به کانونهای ثروت و قدرت متصل نباشند؛ کسانی باشند که واقعا مردم اینها را بخواهند؛ بر طبق وجدانشان، بر طبق دینشان، بر طبق وظائف انقلابی‌شان عمل کنند.» (بیانات در اجتمع بزرگ مردم کرمانشاه ۲۰ مهر ۹۰)

ب) تحلیل: فرصت انتخابات را به تهدید بدل نکنیم

«لئن شکرتم لأزیدنکم، و لئن کفرتم إن عذابی لشدید». انتخابات به مثابه یکی از بزرگترین فرصت‌ها در نظام جمهوری اسلامی، نعمتی است که کفران آن، ما را گرفتار تهدیدها خواهد کرد. فتنه ۸۸ تجربه تلخی بود که البته مقام معظم رهبری با درایت خود، پیشاپیش نسبت به تهدیدهای نهفته در آن هشدار داده بودند. ایشان ماه‌ها پیش از انتخابات ریاست جمهوری، تذکر دادند که قرار است عده‌ای با طرح شبهه تقلب در انتخابات، دست به ایجاد بحران برای کشور بزنند. اگر به راستی ولایت‌مدار بودیم، باید همگی آمادگی کامل را برای روزهای تلخ پس از ۲۲ خرداد ۸۸ می‌داشتیم و کاری می‌کردیم که فرصت طرح چنین شبهه‌ای از دشمنان دانا و دوستان نادان، سلب شود. اکنون رهبر انقلاب، ماه‌ها پیش از انتخابات، ما را نسبت به ناامن شدن فضای کشور با سوء استفاده از انتخابات و همچنین بی‌احترامی نسبت به انتخابات، متوجه ساخته است. لازم است با عبرت‌گیری از تجربه فتنه ۸۸، به بعضی نکات در این امر توجه کنیم: (تحلیل بخش‌های دیگر سخنان رهبری درباره شرایط نامزدها و کیفیت انتخابگری، در فصل نهم خواهد آمد).

۱- باید از طرح سخنان کلی و مبهم و تکراری درباره امنیت و ناامنی اجتناب کرده و ذهن مردم و نخبگان حزب‌اللهی به طور دقیق و کاربردی بر چرایی و چگونگی ایجاد امنیت یا ناامنی در فرصت‌های همچون انتخابات متمرکز گردد.

۲- چالش، به معنای درگیر شدن نیروهای یک میدان و عادی نبودن جریان‌ها به مانند روال گذشته، به ذاته مفهوم بدی نیست. در یک رقابت سالم هم، چالش وجود دارد و لذا انتخابات مجلس نیز چالش‌زا و توجه برانگیز خواهد بود. اما باید توجه داشت که این چالش

این دوستان به اصطلاح اصولگرا در هر دو مقطع از یک ویژگی ثابت برخوردار بودند: رویه منفعل سیاسی و ترس از این که میادا آبروی آنان با دکتر احمدی نژاد گره خورده و مدافع دولت به حساب بیایند! این ترس منفعلانه یکی از عوامل عقب ماندن آنان از رهبری در زمان فتنه و جلوگیری از افشای آن در موضوع موسوم به جریان انحرافی شد. بویژه آن که ضربه به جریان موسوم به انحرافی را مساوی ضربه غیرمستقیم به رئیس‌جمهور و در نتیجه اثبات حقانیت خود دیده و از این فرصت برای ولایت‌مدار نشان دادن خود بهره برده و هنوز می‌برند. حال آن که معیار ولایت‌مداری، تبعیت عملی و همیشگی از ولایت است، نه ژست رسانه‌ای و فرصت طلبانه و مقطعی. از برخی جریان‌ها به اصطلاح اصولگرا که معیار رشد در آنان، نه پیگیری آرمان‌های انقلاب، بلکه تملق سیاسی، ضدیت حاد با رقبا و چشم پوشیدن بر عیوب خود است، انتظاری بیش از این نیز نباید داشت.

۳- نخبگان متوهم:

برخی از نخبگان مستقر در تهران و قم و ... نیز که بیشتر چهره فرهنگی و علمی دارند تا چهره سیاسی، در ایام فتنه به جای موضع‌گیری قاطع علیه فتنه‌گران، با ژستی مستقل به تحلیل کاریکاتورگونه‌ای از فضای فتنه و رخدادهای سال ۸۸ پرداختند و همچنان تحلیل‌های غلط خود را پس نگرفته‌اند.

ج) جریان‌های مطرود و نقدی بر تصورات مشهور درباره آنان

از آن‌جا که امروز عموم فعالان سیاسی انقلابی بر دو محور مخالفت با فتنه‌گران و مخالفت با گروه موسوم به جریان انحرافی اتفاق نظر دارند و در خصوص این دو، مواضعی داشته و خواهند داشت، لازم است مروری دوباره بر جایگاه این دو پدیده و نیز نقش جریان‌ریشه‌دارتر از آنان داشته باشیم:

۱- جریان فتنه و گروه موسوم به جریان انحرافی هر دو پدیده‌هایی مُرده از نظر حیات اجتماعی و مردمی هستند. فتنه‌گران که بنده بسیار کمی در بعضی اقلنا و طبقات اقتصادی و فرهنگی کشور داشتند، با گذشت هر چه بیشتر زمان، دچار انزوای رخوت و سردرگمی بیش از پیش شدند و امروز نزد افکار عمومی و قاطبه مردم چیزی جز یک شوخی تلخ نیستند. گروه موسوم به جریان انحرافی نیز از ابتدا هیچ پایگاه اجتماعی‌ای نداشته و تحراتش را با ابزارهای تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی پیگیری می‌کرده است. بنابراین بزرگ جلوه دادن این جریان‌ها و قراردادن آنان در کانون توجه‌ها و تحلیل‌ها، خطایی است که بیشترین نفع تبلیغاتی غیرمستقیم را به حال خود این جریان‌ها خواهد داشت. رهبر انقلاب، مردم بصیر کشور و نهادهایی همچون شورای نگهبان نیز مراقب انقلاب و نظام بوده و آرموده را مجال آزمون دوباره نخواهند داد.

بازخوانی آخرین منویات رهبری درباره مجلس و انتخابات

فصل ششم

الف) مروری بر سخنان معظم له

«انتخابات همیشه در کشور ما تا حدودی یک حادثه‌ی چالش‌برانگیز است. اگر چه در مقایسه‌ی با انتخابات‌هایی که در بعضی از کشورهای دنیا - چه کشورهای به اصطلاح پیشرفته، و چه بعضی از کشورهای دیگر - برگزار می‌شود، که توشان چه خبانتها، چه خبانتها، چه درگیری‌ها، حتی چه کشت و کشتارها اتفاق می‌افتد، بحمدالله این حوادث در کشور ما نیست، اما بالاخره یک چالشی است؛ مردم را متوجه می‌کند. مراقب باشید این چالش به امنیت کشور صدمه نزند. انتخابات که مظهر حضور مردم است، مظهر مردم‌سالاری دینی است، باید پشتوانه‌ی امنیت ما باشد. نباید اجازه داد که این چیزی که ذخیره‌ی امنیت است، پشتوانه‌ی امنیت است، به امنیت ما صدمه وارد کند... همه بهوش باشند. آحاد مردم، مسئولان گوناگون، منبرداران سیاسی، کسانی که میتوانند با مردم حرف بزنند، همه مراقب باشند، مواظب باشند؛ از انتخابات مانند یک نعمت الهی پاسداری کنند.»
(خطبه رهبر انقلاب در نماز عید سعید فطر ۹ شهریور ۹۰)

«با هر انتخاباتی، خون تازه‌ای در رگهای کشور تزریق می‌شود؛ روح تازه‌ای در کالبد کشور دمیده می‌شود - این را بدانید - و به خاطر همین هم هست که در طول این سالهای متمادی، همیشه دشمن خواسته است که با انتخابات نباشد یا کم‌رنگ باشد. در هیچ انتخاباتی ما سراغ نداریم که قبل از انتخابات، بوقهای تبلیغاتی دشمن به کار نیفتاده باشد برای اینکه کاری کنند که انتخابات در ایران کم‌رنگ شود... انتخابات برای کشور، برای نظام، برای مردم، در همه‌ی دوره‌ها یک دستاورد بزرگ است. وضع مجلس در وضع عمومی کشور تأثیر گذار است. مجلس محور اصلی تصمیم‌گیری در کشور است. اینها همه‌اش اهمیت انتخابات را نشان می‌دهد.

در انتخابات، دو تا مسئله از همه مهمتر است: مسئله‌ی اول، حضور مردم، شرکت مردم، که بایستی وسیع و گسترده باشد. مسئله‌ی دوم، قانون‌گرایی در انتخابات، وفاداری به قانون، احترام به رأی مردم. اینچون نباشد که اگر چنانچه انتخابات بر طبق نظر و میل ما انجام گرفت، این را ما قبول داشته باشیم؛ اگر برخلاف نظر ما بود، «و ان یکن لهم الحق یأتوا

۲- جریان فتنه با به آشوب کشیدن کشور و مقابله علنی با مردم‌سالاری دینی، انقلاب و رهبری، تکلیف خود را روشن کرده و مردم نیز ضربه اصلی را در ۹ دی ۸۸ به این جریان زد. اما پدیده موسوم به جریان انحرافی هنوز ماهیت خود را روشن نکرده و حتی در جریان خواندن آن می‌توان تردید کرد. رهبر انقلاب نیز به شکل‌های گوناگون تأکید کرده‌اند که نباید با دامن زدن مسائل فرعی، فضا را آلوده کرد. کسانی که اصرار دارند با تکیه بر مشهورات و با طرح مسائل مبهمی که ابعاد حقیقی آن روشن نیست، به آفرینش تصویر مخوف و البته مبهم از یک جریان یا شبکه سیاسی دست زده و همه مسائل ریاست جمهوری و اطرافیان و حامیان را با یک چوب برانند، و آن گاه این پدیده را بدیل و هم‌عرض جریان فتنه نشان دهند، دچار توهم یا غرض‌ورزی ای شده‌اند که آنان را از منطق رهبری جدا می‌کند.

۳- جریان پیچیده و مودی تکنوکرات‌های سکولار و اتحاد آنان با انقلابیون استحاله یافته، که خود را زمانی در قالب کارگزاران سازندگی نشان داد، خطر بزرگ اما پنهانی است که همچنان انقلاب را تهدید می‌کند. مهره‌های سوخته فتنه از یک سو، و مفسدین سیاسی و اقتصادی نوپا و نوکیسه از سوی دیگر هرگز نمی‌توانند به اندازه جریان مذکور خطر آفرین و مسموم باشند. این جریان که گاه حتی خود نیز نمی‌داند در حال چه خبانتی به انقلاب است، از پختگی خاصی برای حفظ حیات سیاسی خود برخوردار است. نه مانند دوم خردادی‌ها و فتنه‌گران دست به انحراف سیاسی می‌زند و نه مانند جریان‌های منصرف‌گرایان با ناشی‌گری و خامی دست خود را برای افکار عمومی رو می‌کند، بلکه با تکیه بر سوابق و تجارب و اعتبار سیاسی و تخصصی خود از یک سو و مدیریت مفسدانه پشت پرده سیاسی کشور از سوی دیگر، بی‌آن که خود را به خطر بیندازد، منافع خود را دنبال کرده و موریانه وار به خوردن درخت انقلاب از درون، ادامه می‌دهد. جریان مذکور، مخلصانه یا مغرضانه به تمام چالش‌ها و جنجال‌های سیاسی بر سر فتنه و جریان انحرافی و موافقان و مخالفان شان می‌خندد و انبساط خاطر اصلی خود را وقتی به دست می‌آورد که می‌بیند هیچ‌کس متعرض نقش او در شکل دهی به انحرافات دیگر نمی‌شود.

نتیجه: نقدی بر ادعای وحدت

وحدت سیاسی و معنوی نیروهای انقلاب یکی از اصول و ارزش‌های تخلص‌ناپذیر انقلابی است که همواره مورد تأکید امام و رهبری نیز بوده است. اما نباید وحدت را با ترفندهای سیاسی به نحوی تفسیر کرد که در عمل به منای هضم شدن همه جریان‌های انقلابی در جریان‌های سیاسی کار و مردود باشد. ارائه لیست واحد توسط گروه‌های مختلف فی‌نفسه امری قابل قبول است. اما مشروط به این که به نکات ذیل توجه گردد:

کارانه درباره آرمان‌ها اجتناب کرده و برای تبیین آرمان‌ها متکی به «بیانات امام راحل»، «بیانات رهبر حکیم انقلاب» و «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» باشیم. نگاهی به اصول ۲، ۸، ۱۰، ۲۸، ۳۰، ۴۲ و ... از قانون اساسی، مهم‌ترین هدفگذاری‌های نظام را به روشنی ترسیم خواهد کرد.

۲- باید از دو تجربه مهم جهانی و ملی (یعنی بیداری اسلامی و جنبش ضد سرمایه‌داری در جهان و عبور از فتنه ۸۸ در کشور) استفاده حداکثری کرد تا مردم با مبانی و آرمان‌های انقلاب تجدید عهد کرده و غبار تردید و کهنگی از اعتقاد تعداد زیادی از نخبگان و نیز برخی از افسار مردم نسبت به حقانیت آرمان‌ها و ارزش‌هایی که امام به مردم معرفی کرد، زوده‌شود.

۳- باید این نکته تبیین شود که خاصیت مجلس شورای اسلامی، کمک به حرکت سریع‌تر و بهتر به سمت این آرمان‌هاست و مجلس بدون توجه به این آرمان‌ها، اساساً فلسفه وجودی و معنای خود را از دست داده است.

۴- پرداختن تفصیلی به آرمان‌های انقلاب و تطبیق شرایط موجود و نقاط قوت و ضعف نظام با این آرمان‌ها و عبور از کلی‌گویی درباره انقلاب و آرمان‌هایش. کلی‌گویی و فرار دادن آرمان‌ها در حالت ابهام، بدون استخراج معیارهای دقیق‌تر و سنجش وضع موجود بر اساس آن، ما را از درک عینی نسبت به این که انقلاب و نظام در چه مرحله‌ای از حیات تکاملی خویش است و با چه آفتی روبروست باز می‌دارد. پرسش‌های سی‌گانه فوق‌الذکر، می‌تواند نمونه‌ای از این توجه عینی باشد.

ب) بازخوانی مبانی انقلاب در خصوص امر انتخابات، از طرق زیر:

۱- احیای حافظه تاریخی مردم درباره مجلس اول و انتخابات آن، سخنان امام و رهبری درباره ادوار مختلف انتخابات، موضع صبورانه و حکیمانه و رشدمدارانه امام در ماجرای انتخاب بنی‌صدر خائن، و ...

۲- بازخوانی سیره و اندیشه‌های نمایندگان شهید مجلس (شهید آیت‌الله مدرس، شهید دیلمه، شهید صادقی و ...) و سایر الگوهای نمایندگی (مرحوم ابوترابی، مرحوم فاکر، دکتر حسن سبحانی و ...).

۳- جمع‌بندی و تبیین ملاک‌های انتخاب و شیوه تشخیص اصلح، با استناد به مبانی فکری انقلاب و دیدگاه‌های رهبران فکری انقلاب اسلامی. این ملاک‌ها باید به‌طور جامع و در همه ابعاد دیده شوند؛ توان تخصصی، هوشمندی سیاسی، تقوا و احتراز از استخدام هر گونه وسایل و مقدمات نامشروع برای کسب نتیجه، سابقه شفاف در ولائتمداری و انقلابی‌گری فداکارانه و غیرسیاسی و ...

۱- وحدت حقیقی بر سر مبانی است و از سر تباری! کسانی که معتقدند همه باید با آنان متحد شوند ابتدا باید مبانی خود را شفاف کرده و آن را از پیرایه‌های سیاست‌زگی و برتری‌جویی و اصول‌گریزی بیارایند و آن‌گاه ادعای پرچمداری اصولگرایی را بکنند.

۲- آن‌چه برخی از سیاسیون دنبال می‌کنند، ترویج وحدت بوسیله ایجاد وحشت است! زمانی با طرح این مساله که اگر همه به ما رای ندهند، دوم خرداد می‌آید یا نه، بهانه‌ای برای حذف اصلح‌ها می‌یافتند و امروز، پدیده مشهور به جریان انحرافی نیز - که البته در مردود بودنش شک نداریم - بهانه دیگری برای ایجاد وحشت به دست این سیاسیون داده است. باید از اینان پرسید چرا گمان می‌کنند فاسد بودن دیگران دلی و توجیه کافی برای حذف اصلح‌ها و قناعت کردن به صالح‌هاست؟

۳- مدعیان وحدت چرا خود به نفع اصلح‌ها سکوت اختیار نمی‌کنند؟ اگر ادعای وحدت از سوی سیاسیون، خالصانه است، چرا صالح‌ها را به نفع اصلح‌ها کنار نگذاشته و به قواعد حرکت انقلابی و متکی به بصیرت تن نمی‌دهند؟ چرا همیشه باید اصلح‌هایی که سیاست‌باز نیستند و دستی در تباری‌ها و سفارش‌ها و منفعت‌ها ندارند، به خاطر حفظ وحدت، قربانی نیروهای درجه دوم و سوم شوند؟ هر کس دغدغه وحدت دارد، ابتدا فرایند شفاف و عادلانه رسد، شناخت و ترویج اصلح‌ها را طی کند و سپس بدون هیچ سهم‌خواهی‌ای، به وحدت بر اساس مبانی و اصلح‌ها تن دهد. آن‌چه که همیشه در بیانات امام و رهبری نیز مورد تأکید بوده و هست، اهتمام به شناخت و انتخاب اصلح است و نه هیچ چیز دیگری.

البته بسیاری از کسانی که دغدغه وحدت دارند نه از سر منفعت طلبی بلکه ناشی از مشتبه شدن امر و بدون تأمل در این ملاحظات اساسی، کلیشه‌های تعریف شده توسط سیاسیون را دامن زده یا تأیید می‌کنند. لذا ضمن احترام به همه فعالان دغدغه‌مند و مخلص عرصه سیاست، آنان را به رعایت ملاحظات فوق و احتجاج بر سر مبانی، روش‌ها و نامزدهایشان دعوت می‌کنیم.

فصل چهارم

ضرورت اشرف بر شرایط عینی کشور

الف) مقدمه:

۱- ضرورت توجه به مسائل عینی و عمومی کشور به جای طرح شعارهای کلی:

هر نامزد نمایندگی و هر گروه سیاسی که علاقمند به حضور در عرصه انتخابات است، باید به جای تکیه بر شعارهای مبهم و بدیهی یا توسل به روش‌های فریبنده تبلیغی، ابتدا تحلیل

دقیق (و نه روزنامه ای و کلی) خود از شرایط کشور را ارائه داده و سپس اهم راهبردها و راهکارهای خود برای رفع نیازهای کشور با بهره گیری از فرصت ها و موفقیت های موجود آن را به افکار عمومی ارائه دهد. در واقع رقابت بر سر عکس ها و ادعاها باید جای خود را به رقابت بر سر نگرش ها و استدلال ها بدهد.

۲- حضور حداکثری مردم، در گرو طرح مسائل واقعی آنان:

رقابت های سیاسی بدون ایجاد چشم اندازی روشن برای حل مسائل کشور، قدرت جلب مشارکت بالای مردم را نیز ندارد. ادبیاتی برای مردم انگیزه ساز، امیدآفرین و مشارکت افزا خواهد بود که ضمن یادآوری نعمت های موجود و ظرفیت های عظیم کشور برای تحول و حرکت، تاثیر واقعی مجلس و نمایندگان بر زندگی مردم را نیز نشان دهد. باید برای مردم به دقت تبیین شود که نعمت امنیت و ثبات در کشور ما در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه و حتی اروپا و آمریکا، مستوجب تلاش مضاعف برای بهره مندی از فرصت هاست. همچنین باید تبیین کرد که انتخاب احمدی نژاد، از گام های مقدماتی برای کار و حرکت در مسیر پیشرفت و عدالت بوده است و هنوز باید برای تحقق آرمان ها در صحنه بود و به دقت افراد صاحب صلاحیت را به میدان فرستاد. در غیر این صورت، کاستی ها و انحرافات و ناکارآمدی ها متوجه خود ما بوده و نباید توقع داشته باشیم با سهل انگاری در فرصت های خطیری چون مجلس، مشکلات ریز و درشت در کشور پدیدار نشوند.

۳- ریشه های میل به کلی گویی و شعارزدگی:

بی توجهی به قانون اساسی و اسناد بالادستی نظام، بی اطلاعی یا غفلت تام از رهنمودهای رهبری، عدم ارتباط با بدنه کارشناسی مستقل و آرمانگرای انقلاب، و نهایتاً قطع ارتباط با توده مردم و بی خبری از واقعیت های اجتماعی از مهم ترین عوامل هستند که باعث شده است سیاستپوین، از ارائه مباحث مدون، دقیق، عمقی، منسجم، مستدل و راهگشا در خصوص واقعیت های کشور و نقاط قوت و ضعف آن عاجز بوده و به گفتارهایی کلی، شعاری و سیاسی کارانه بسنده کنند. جای چنین نخبگانی شاید در احزاب سیاسی باشد، اما یقیناً نباید در مجلس، که محل اخذ تصمیمات کلان برای کشور است، باشد.

۴- نگرش های عمومی و کلان در کنار تخصص:

نگرش ها و رویکردهایی همچون «نگاه آرمانی و انقلابی»، «اعتقاد عمیق به عدالت گستری در همه عرصه ها»، «مردم گرایی و اعتقاد به مشارکت مردمی»، و ... باید در همه حیطه های تخصصی و برای حل تمام معادلات و مسائل خرد و کلان کشور مورد توجه باشند. علاوه بر این نگرش های کلی، هر نماینده باید اولاً در یک حوزه تخصصی تسلط و اشراف کامل جهت رصد، نقده، برنامه ریزی، نظارت و ارزشیابی داشته باشد و ثانیاً در حوزه

کشور را جبران کنند؟

۲۵. مدیریت واحد شهری و اختیارات ایده آل شوراهای اسلامی شهر و روستا را چگونه تعریف می کنید و برای جلوگیری از تعدی به حقوق مردم توسط شوراهای و شهرداری ها چه تدابیری در حوزه تقنینی یا نظارت اندیشیده اید؟

۲۶. جایگاه ملی و بین المللی مشهد بر اساس مانی انقلاب چگونه قابل بازتعریف است؟ آیا اختصاص بودجه های هنگفت به این شهر بدون طراحی سیاست های هوشمندانه فرهنگی برای خودکفایی اقتصادی و تولیدگری فرهنگی این شهر مناسب با شئون معنوی و انقلابی آن، سودی برای نظام دارد؟

۲۷. کدام بن بست ها و ناکارآمدی ها در سیستم های اقتصادی، نظارتی، مدیریتی و ... به اختلاس مشهور اخیر انجامید؟ برای رفع آن ها چه باید کرد؟

۲۸. مکانیزم مجلس برای پیگیری مطالبات رهبری و عدم تقاضای فوریت های کشور که توسط ایشان مطرح می شود کدام است؟

۲۹. مکانیزم های مجلس برای شفاف سازی عملکرد خود و تعاملات و کلای مجلس با وزرا و ... چیست؟

۳۰. با توجه به فقدان سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت مستمر و دقیق ملی، برای الزام نمایندگان به پیگیری رسالت های ملی خود و عدم تمرکز بر توقعات منطقه ای، چه تدابیر و مکانیزم هایی لازم است؟

فصل پنجم طرح مجدد آرمان های انقلاب اسلامی در فرصت انتخابات

نیروهای مستقل حزب اللهی باید همچون گذشته از فرصت انتخابات برای گسترش نگاه ویژه امام و رهبری به انقلاب و نظام و نقش مردم استفاده کنند. فضای پر شور انتخابات فرصتی است مناسب برای این که آرمان ها و ارزشهای انقلاب اسلامی همچون عدالتخواهی، پیشرفت معنوی و مادی، وحدت، آزادی و ... تعریف درست و ناب خود را باز یابد. این امر از دو روش کلی قابل پیگیری است:

الف) یادآوری عمومی آرمان های بلند انقلاب و نظام اسلامی:

۱- در این مسیر باید از گرفتار شدن در دام مشهورات سیاسی و تعاریف وارداتی یا محافظه

۱۱. جهاد اقتصادی با چه برنامه‌های عینی‌ای و توسط چه نهادهایی محقق خواهد شد؟ احیای نقش مردم در این حرکت جهادی به جای تمرکز صرف بر دولت و بازار، مستلزم چه تدبیری است؟
۱۲. کمک به بخش تولید بویژه در دل طرح هدفمندی یارانه‌ها با چه برنامه‌هایی محقق خواهد شد و چرا تا کنون به طور کامل محقق نشده است؟
۱۳. مهمترین اشکالات در سیاستهای بخش واردات و صادرات غیر نفتی چه بوده است؟
۱۴. نظارت دقیق بر بخش تولید برای جلوگیری از سوء استفاده از تسهیلات اعطایی برای مصارف دیگر چه تدبیری می‌طلبید؟
۱۵. برای افزایش بهره‌وری نیازمند چه برنامه‌هایی هستیم؟
۱۶. چه برنامه‌ای برای رشد بخش تعاون و دسترسی بدون تبعیض آحاد مردم و اصناف به اطلاعات اقتصادی و فرصتهای سرمایه‌گذاری دارید؟
۱۷. جهت مبارزه با ویژه‌خواری‌ها، چه برنامه‌هایی برای شفافسازی اطلاعات در حوزه‌های مختلف زمین، دارایی‌ها، صلاحیت‌های سازمانی و ... دارید؟
۱۸. پاسخگویی به مردم و نیز مشاوره با کارشناسان مستقل و دلسوز، چه مکانیزم‌های الزام‌آوری می‌طلبید تا چنین مقولاتی صرفاً به عنوان یک ارزش ذهنی و غیر قابل پیگیری در نیایند؟
۱۹. برای تحقق اصل هشتم قانون اساسی و حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بویژه در حوزه منکرات حکومتی و مدیریتی و اقتصادی چه برنامه‌ای دارید؟
۲۰. برای تمرکززدایی و اجتناب از پایتخت زدگی در برنامه ریزی‌ها چه در حوزه‌های اقتصادی و چه در حوزه‌های فرهنگی چه تدابیری باید اندیشید؟
۲۱. خصوصی سازی مقولاتی چون بهداشت و درمان، آموزش عالی، آموزش و پرورش و ... چه تبعات اجتماعی‌ای داشته و برای جلوگیری از آن باید چه کرد؟
۲۲. برای تحقق عینی اهداف علمی کشور در حوزه علوم انسانی و پایان دادن به کلی‌گویی‌ها و همایش زدگی موجود در فضای جنبش نرم افزاری و تحول علوم انسانی چه باید کرد؟
۲۳. نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور چه فاصله‌ای با واقعیت‌های بومی کشور داشته و برای اجتماعی و بومی کردن آن‌ها و پیوند دادن آموزش با مسائل عینی و معضلات جاری کشور چه باید کرد؟
۲۴. نهادهای فرهنگی، فربه، موازی و کم اثر کشور باید چگونه زیر ذره بین نظارت قرار گرفته و با چه تدابیری کوتاهی‌های خود برای ترویج مبانی انقلاب در داخل و خارج

- ۵- پرسش‌هایی برای پاسخ گفتن توسط نامردها و گروه‌ها:
 - آن چه در ذیل به عنوان مروری بر بعضی مسائل کشور مطرح شده و عمدتاً الهام گرفته از سخنان رهبر انقلاب است، فهرستی کامل نیست اما قطعاً در فضای سیاست زده فعلی کشور، می‌تواند محکی باشد برای سنجش آمادگی افراد و گروه‌های مدعی، برای حل مسائل کشور.
- (ب) برخی از مهمترین مسائل کشور:
 ۱. موانع بهرمندی کشور از ظرفیت نیروی انسانی علاقه‌مند و کارآمد آن چیستند و چگونه رفع می‌شوند؟
 ۲. تصویب قوانین ناپایدار، مبهم یا ناظر به مصالح کوتاه مدت ناشی از چه مکانیزم‌های غلطی در فضای کارشناسی و تصمیم‌گیری در مجلس است و برای اصلاح آن چه باید کرد؟
 ۳. مصادیق کارهای حاشیه‌ای و بدون اولویت که رهبری نسبت به آن انتقاد دارند چیست و چگونه می‌توان ملغ آن شد؟
 ۴. تحقق نیافتن کامل چشم‌انداز، سیاستهای اصل ۴۴، طرح تحول اقتصادی و سایر سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی نظام ریشه در کجا داشته و چگونه قابل رفع است؟
 ۵. در تقابل دو امر کاهش تورم و افزایش اشتغال، اولویت با کدام است و چگونه می‌توان به شرایطی بهینه برای کاهش فشار تورم و بیکاری بر مردم رسید؟ دلایل عدم تحقق سیاست‌های بخش اشتغال چیست؟
 ۶. معضل هزینه‌شدن بودجه‌های کلان فرهنگی بدون تدوین سیاست‌های دقیق و منسجم فرهنگی مبتنی بر ارزش‌های انقلاب چگونه قابل حل است؟
 ۷. احیای روستاها و جلوگیری از مهاجرت به شهرها با نگاه بلندمدت نیازمند چه تدابیری است؟
 ۸. حذف فاصله بین نرخ واقعی رشد و نرخ ادعایی رشد چگونه محقق می‌شود؟
 ۹. بسنر سازی برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در عین اجتناب از سرمایه‌سالاری، مصرف زدگی و فساد اقتصادی چگونه محقق می‌شود؟
 ۱۰. مبارزه با قاچاق چه موانعی دارد و باید چگونه مورد حمایت قرار گیرد؟